

مطالعات راهبردی ۱۱

آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پژوهشگر: علی باصری، رضا مجیدی زاد

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی

معاونت مدیریت، توسعه و منابع

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



مطالعات راهبردی (۱۱)

آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پژوهشگر: علی باصری
رضا مجیدی‌زاده

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی

معاونت مدیریت و توسعه منابع
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۳۹۶

سرشناسه : باصری، علی، ۱۳۵۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / پژوهشگر علی باصری، رضا
 مجیدی زاده؛ ویراستار علی باکر؛ تهیه کننده دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی.
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۹۳ ص: جدول؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.
 فروست : مطالعات راهبردی؛ ۱۱/ دبیر مجموعه نظام بهرامی کمیل.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۱۵-۲۶-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۹۰ - ۹۳.
 موضوع : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 موضوع : Iran. Vezarat Farhang va Ershad Islami
 موضوع : آمایش سرزمین -- ایران
 موضوع : Reclamation of land -- Iran
 موضوع : سیاست فرهنگی -- ایران -- برنامه ریزی
 موضوع : Cultural policy -- Iran -- Planning
 شناسه افزوده : مجیدی زاده، رضا، ۱۳۵۲ -
 شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ پ ۹ الف / HT۳۹۵
 رده بندی دیویی : ۳۰۷/۱۲۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۰۸۲۵۵

عنوان مطالعه: آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

واحد تهیه کننده: دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی

پژوهشگر: دکتر علی باصری و رضا مجیدی زاده

ناظر سازمانی: علی آقابابا

دبیر مجموعه: دکتر نظام بهرامی کمیل

ویراستار: علی باکر

شماره مطالعه: یازدهم

ناشر: مؤسسه پویه مهر اشراق

امور فنی و هنری: زهرا هوشمند

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۱۵-۲۶-۴

نشانی: تهران، خیابان جمهوری، خیابان ظهیرالاسلام، بن بست خاورمیانه، ساختمان فرهنگ، طبقه سوم

تلفن: ۳۳۱۶۵۶۲ - پست الکترونیک: Rahbordip@yahoo.com

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
فصل اول تعاریف و ضرورت آمایش سرزمین ..	۱۱
گفتار اول: تعریف آمایش سرزمین.....	۱۳
۱. تاریخچه آمایش سرزمین در جهان.....	۱۶
۲. تاریخچه آمایش سرزمین در ایران.....	۲۱
۳. جایگاه آمایش سرزمین در اسناد توسعه.....	۲۳
۴. ضوابط ملی آمایش سرزمین.....	۲۴
گفتار دوم: تعریف فرهنگ.....	۲۶
۱. ویژگی‌ها و ساختار حوزه فرهنگ.....	۲۶
۲. ساختار مدیریت فرهنگی کشور.....	۳۱
فصل دوم: ابعاد آمایش سرزمین در حوزه فرهنگ.....	۳۳
گفتار اول: آمایش سرزمین در حوزه فرهنگ.....	۳۵
۱. آمایش فرهنگی سرزمین.....	۳۸
۲. نقش آمایش فرهنگی در تقسیمات کشوری و محرومیت‌زدایی.....	۴۲
۳. برنامه آمایش فرهنگی سرزمین.....	۴۳
۴. آمایش فرهنگی در اسناد بالادستی.....	۴۸
۵. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های موازی در حوزه‌های کاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ...	۵۰
۶. دستگاه‌های فرهنگی در قانون بودجه سالیانه کشور.....	۵۲
۷. راهبردهای بلندمدت توسعه بخش فرهنگ و هنر از منظر آمایش سرزمین.....	۵۳
فصل سوم: آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.....	۵۷
گفتار اول: مأموریت آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.....	۵۹
۱. بیست‌های سازمانی آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.....	۵۹
۲. فضاهای فرهنگی مشترک سازمان‌های مختلف با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.....	۶۱
گفتار دوم: شاخص‌های توسعه یافتگی در آمایش سرزمین.....	۶۳
۱. شاخص‌های فرهنگی در سند تفضیلی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی..	۶۳

۶۴	۲. شاخص‌های توسعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه ششم توسعه
۶۷	۳. سامانه ساترا
۷۱	فصل چهارم: نتیجه‌گیری، پیشنهادهای کوتاه و بلندمدت
۷۳	۱. مقدمه
۷۸	۲. پیشنهادهای بلندمدت
۸۶	۳. پیشنهادهای کوتاه‌مدت
۹۰	منابع

پیش‌گفتار

داشتن رویکرد راهبردی به مسائل یکی از ضروریات مدیریت کلان نهادها و سازمان‌ها است. این رویکرد با مشخص کردن ابعاد مختلف موضوعات و بررسی نقاط ضعف و قوت و تهدیدها و فرصت‌های موجود تلاش می‌کند با ترسیم اهداف بلند مدت و کوتاه مدت، بهترین مسیر را برای رسیدن به این اهداف ترسیم نماید؛ به گونه‌ای که حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب با کمترین هزینه و بیشترین بهره‌وری انجام پذیرد.

مطالعات راهبردی نوشتاری است که به پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی کوتاه مدت اشاره دارد. در این متون پژوهشگر ضمن طرح موضوع، ابعاد و زوایای مربوط به آن را نشان داده، رهیافت‌های موجود را بیان و در نهایت به جمع بندی و در صورت لزوم ارایه پیشنهاد می‌پردازد. «مطالعات راهبردی» از آن جهت دارای اهمیت است که در کنار طرح مسائل نظری و کمک به توسعه دانش نظری و کاربردی، منجر به حل معضلات و دشواری‌های موجود در عرصه مدیریتی شود. به سخن دیگر؛ تلاش شده است این مطالعات به نحوی انجام شود که فقط با رویکرد مطالعه‌ای به آن نگریسته نشود بلکه کاربردی و اثربخش بودن آن در حوزه تصمیم‌گیری نمایان باشد.

باید اشاره داشت که مخاطبان این مطالعات را مدیران، مسئولان و کارشناسان حوزه فرهنگ به‌ویژه در مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی تشکیل می‌دهند. هدف از انجام این مطالعات، تعیین خطوط کلی بینش و تجربه موجود درباره موضوعات و مسائل حوزه فرهنگ است؛ به نحوی که جایگاه و نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را پیرامون موضوعات مطروحه به روشنی بیان نماید و از رهگذر چنین نگاهی، واحدهای زیر مجموعه وزارتخانه بتوانند با بهره‌گیری از این گزارش‌ها؛ طرح‌ها و برنامه‌های خود را دقیق‌تر و منسجم‌تر عملیاتی کنند.

آمایش سرزمین در بخش فرهنگ یا آمایش فرهنگی سرزمین، یکی از موضوعات محوری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که در ذیل رویکرد کلان عدالت فرهنگی قرار دارد، لذا با پیشنهاد دفتر برنامه و بودجه، پرداختن به این موضوع از جمله مشخص نمودن تعاریف، ابعاد و ویژگی‌های آمایش فرهنگی، در دستور کار دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی قرار گرفت. امید است نتایج این مطالعه علاوه بر حوزه‌ها و معاونت‌های تخصصی وزارتخانه، مفید فایده ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استانها باشد.

بهر روز فتحی

مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی

مقدمه

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از ۱۸ وزارتخانه تخصصی جمهوری اسلامی ایران است. این وزارتخانه متشکل از ۶ معاونت، ۳۴ اداره، ۱۵ شورا، ستاد عالی، سازمان و مؤسسه است. وزارتخانه مزبور یک وزارتخانه اجرایی و تأثیرگذار در حوزه فرهنگ و هنر به خصوص فرهنگ عمومی است. تأثیرگذاری این وزارتخانه در سطح جامعه به دلیل امکانات و مجوزهای فرهنگی و هنری از جمله سینما، موسیقی، نمایش، تئاتر، هنرهای تجسمی، آموزش هنری، صنعت چاپ و نشر، مطبوعات، حوزه دیجیتال و... است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور صاحبان فکر و اندیشه نقش فرهنگ‌سازی مهمی را در جامعه به عهده دارد. چه بسا هنرمندی با نمایش یک فیلم، موسیقی، عکس، تابلو نقاشی و... شور و امیدی وصف‌ناپذیر در دل جامعه ایجاد کند. اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولت با بسترسازی مناسب دستگاه‌های فرهنگی قابل تحقق هستند. لذا تأثیرگذاری وزارتخانه مزبور بر سطح فرهنگ جامعه بر هیچ صاحب‌خردی پوشیده نیست. از همین منظر تلاش در ارائه فعالیت‌های این وزارتخانه در سراسر کشور و تحقق عدالت به خصوص از نوع فرهنگی آن نقش اساسی در ایجاد روحیه نشاط و امید در جامعه دارد.

در حال حاضر در ۳۱ استان کشور ادارات کل و در ۳۶۲ شهرستان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دایر است. این در حالی است که در کشور ۴۲۹

شهرستان وجود دارد که تنها در ۶۷ شهرستان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دایر نیست. چه بسا استعدادهای بی نظیری که به علت نبود امکانات لازم فرهنگی و هنری شکوفا نشده و فرصت‌های بسیار به تهدید بدل شده است. لذا با توجه به اهداف محرومیت‌زدایی تصریح‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، سیاست‌های مقام معظم رهبری در آمایش سرزمین گسترش تمام امکانات و فضاهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و... در سطح کشور از اهمیت بالایی برخوردار است.

برای مطالعه سابقه آمایش سرزمین در کشور در گام اول سعی شد تمام منابع موجود درباره این مقوله در بستر فضای مجازی و پایگاه‌های مختلف بررسی شود و سپس به بررسی منابع مکتوب به‌ویژه در مرکز اسناد و مدارک سازمان برنامه و بودجه پرداخته شود. چه در فضای مجازی چه در منابع مکتوب یک نکته در منابع آمایش سرزمین از همه برجسته‌تر به نظر آمد و آن هم تکراری بودن اکثر مطالب بود.

در بررسی مطالعات آمایش سرزمین ۳۱ استان کشور در سال‌های مختلف شاهد عدم هماهنگی مطالب و موضوعات بودیم. با توجه به این نکته که دفتر آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه شیوه‌نامه نحوه تدوین مطالب را برای استان‌های کشور تهیه و به تمام استان‌ها ابلاغ کرده، اما هر استانی براساس برداشت خویش مطالب را تهیه و تدوین نموده است. در بخش فرهنگی شاخص‌های توسعه صرفاً به نرخ باسوادی، مهاجرت، تعداد دانشجویان مراکز عالی، تعداد تراکم دانش‌آموزان در کلاس، تعداد کتابخانه، تعداد اماکن ورزشی، تعداد پزشک، شاخص HDI (درآمد سرانه، امید به زندگی و آموزش، رفاه شهری و روستایی)، سرانه توسعه انسانی، رفاه اجتماعی و صندلی سینما پرداخته شده است

(گزارش استان‌های کشور گذشته، حال و آینده، ۱۳۹۳: ۴۱). در تمام منابع موجود بخش فرهنگ صرفاً در گزینهٔ صندلی سینما و کتابخانه خلاصه شده است که نشان از عدم توجه به مباحث فرهنگی دارد. در شیوه‌نامهٔ سازمان مدیریت نیز این نقیصه به روشنی مشخص است. سعی شد در تهیهٔ گزارش آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تعریفی کوتاه و مفید از آمایش که همانا تقسیم تمام امکانات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و تفریحی به صورت عادلانه با توجه به جمعیت و فرهنگ اقوام مختلف در کشور است به تعریفی روشن و کاربردی و عملیاتی از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آمایش دست یابیم. برای تحقق این هدف در کوتاه‌ترین کلام وظایف، مأموریت‌ها، اهداف، سیاست، جایگاه، سهم و میزان مشارکت، تعریف، ضرورت، اهمیت موضوع، پیشینهٔ تجربیات داخلی و خارجی، نظر موافقان و مخالفان، ابعاد موضوع در حوزهٔ فرهنگ با نگاه به حوزه‌های تخصصی، آسیب‌شناسی، تحلیل وضع موجود، نتیجه‌گیری و ارائهٔ پیشنهادهای کوتاه و بلندمدت را مدنظر قرار داده و امید است توانسته باشیم در این گزارش اهمیت آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ترسیم کرده باشیم.

فصل اول

تعاریف و ضرورت آمایش سرزمین

گفتار اول: تعریف آمایش سرزمین

گفتار دوم: تعریف فرهنگ

گفتار اول: تعریف آمایش سرزمین

آمایش سرزمین، کلمه نوین فارسی است که از ریشه فعل «آمدن» و «آمودن» به معنی آراستن، آمیختن، به رشته درآوردن و آماده کردن است که از واژه "amenagem du territoire" از زبان فرانسه گرفته شده است و به عنوان مهندسی تدابیر توسعه در قلمروهای سرزمینی با تأکید بر تنظیم سازگاری و تناسب میان جمعیت، محیط زیست و مزیت‌ها در یک رویکرد کل‌نگر و راهبردی و مبتنی بر ظرف زمان تعریف می‌شود.

توزیع متوازن و هماهنگ تمام فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می‌گویند. «از مهم‌ترین خصوصیات برنامه آمایش سرزمین جامع‌نگری، کیفیت و سازمان‌دهی فضایی آن است. پایدارترین آرایشی که به سه مؤلفه مهم جمعیت، سرمایه و منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می‌شود برنامه آمایش سرزمین گفته می‌شود» (توفیق، ۱۳۷۱: ۳۳).

آمایش سرزمین، در سطحی فراتر از یک طرح یا برنامه قرار داشته و مبتنی بر یک انگاره اصلی و سنجش قابلیت‌ها، شایستگی‌ها، چالش‌ها و نیازها نه در چارچوب یک پروژه که در مقام یک راهبرد توسعه نسبت به ارائه نقشه سازمان فضایی مطلوب کشور و مجموعه راهبردها، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های موردنیاز برای نیل به چشم‌انداز بلندمدت توسعه ملی اهتمام می‌ورزد.

در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه سرزمینی کشور، جایگاه آمایش سرزمین، به‌عنوان یک رکن سیاست‌گذار و جهت‌دهنده به فرایندهای سازمان‌دهی فضایی توسعه بخش‌ها در پهنه سرزمینی فرض می‌شود. آمایش سرزمین بنا دارد تا با یک نگاه راهبردی و فراگیر، ابتدا نسبت به تعریف یک انگاره کلی و بومی اقدام کرده و سپس با به‌کارگیری رویکرد دید درون‌زا و برون‌نگر، نسبت به تنظیم ارتباط میان انسان، فضا و فعالیت با ملاحظه ظرف زمان در پهنه سرزمینی بپردازد تا از این طریق بستر لازم برای گذار توسعه‌ای همه‌جانبه پایدار و متوازن فراهم شود. تحولات درونی و بیرونی مؤثر در توسعه کشور و گسترش دامنه چالش‌ها و انواع مخاطرات (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)، ضرورت بازآرایی اقتصاد کشور و برون‌رفت از برخی بن‌بست‌های توسعه‌ای را از طریق بازسازمان‌دهی فضایی توسعه در کشور و نهادینه‌کردن تفکر آمایشی در پیکره نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه کشور با نگرشی مجدد به واقعیت‌های جغرافیایی (مزیت و تنگناها) را بیش از پیش مطرح می‌نماید (رهنمودها و تدابیر آمایش، ۱۳۹۵: ۷).

به‌عبارت دیگر آمایش سرزمین اکنون شامل سازمان‌دهی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و محیط زیستی، به‌منظور تحقق آینده‌ای مطلوب است. «به‌طورعام آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است، آمایش سرزمین تلفیقی از نظام اسکان جمعیت با ساختار فضایی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با در نظر گرفتن ملاحظات و معیارهای اجتماعی - فرهنگی براساس نظریه پایه توسعه ملی است» (اکرمی، ۱۳۷۲).

آمایش به‌عنوان یک رویکرد، برخوردی است فضایی که توأمان برخوردار از چهار ویژگی زیر است:

۱. جامع‌نگری (جامعیت انضباط‌های اساسی توسعه)؛

۲. کل‌گرایی (رعایت سطح راهبردی مباحث)؛

۳. دورنگری (التزام به افق زمانی مشخص)؛

۴. نتیجه‌گیری فضایی یا جغرافیایی (درحد جهت‌گیری‌های کلی بدون تعیین‌های مکانی).

آمایش سرزمین به‌عنوان یک سند مدیریت توسعه، تصویر سازمان فضایی مرحله توسعه‌یافتگی سرزمین است. این سند تجسم نظریه پایه توسعه ملی در فضای کشور است و چشم‌انداز کلی توزیع جغرافیایی جمعیت و ترکیب مناسب فعالیت‌های ناظر بر بهره‌برداری از سرزمین و تأمین نیازهای جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را در قلمرو سرزمین مشخص می‌سازد. آمایش سرزمین از منظر برنامه‌ریزی، در اصل نوعی برنامه‌ریزی فضایی است، لیکن هر برنامه‌ریزی فضایی که یک یا چند ویژگی برشمرده را نداشته باشد، آمایشی نخواهد بود (توفیق، ۱۳۸۴: ۵۱).

با کنار هم قراردادن تعاریف، وظائف و شمول آمایش سرزمین به شرح زیر است:

۱. به‌عنوان مرجع تنظیم دیدگاه درازمدت توسعه؛
۲. ارائه استراتژی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی و محیطی؛
۳. مکان‌یابی برای فعالیت‌ها و مکان‌های مشخص؛
۴. ارائه استراتژی کلی توزیع جمعیت و فعالیت در سرزمین؛
۵. ارائه الگوی توسعه فضایی - الگوی اسکان جمعیت؛
۶. ارائه نظام مدیریت سرزمین؛
۵. حفاظت از محیط زیست.

و همه این وظائف اجزا و مؤلفه‌های مقوله سازمان‌دهی و مدیریت فضایی توسعه‌اند (نظریه پایه توسعه ملی و چشم‌انداز بلندمدت توسعه فضایی کشور، ۱۳۷۹: ۲۶).

۱. تاریخچه آمایش سرزمین در جهان

نخستین جرقه‌های توجه به آمایش سرزمین در فرانسه که در چارچوب برنامه‌های متمرکز توسعه‌ای قدم برمی‌داشت ظهور یافت. ژنرال دوگل معمار فرانسه نوین در سال ۱۹۶۱ آمایش سرزمین را «تجدید ساختار چهره فرانسه» نامید. فرانسویان آمایش را هنر یا فن جای‌دادن با نظم و ترتیب و همراه با آینده‌نگری انسان‌ها و فعالیت‌ها، زیرساخت‌ها و وسائل ارتباطی در خدمت انسان‌ها در فضای کشور با در نظر گرفتن الزام‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی و حتی سوق‌الجیشی تعریف کردند. البته آمایش سرزمین را نمی‌توان موضوع تازه‌ای دانست، زیرا سرزمین چون کانون فعالیت و سکونت انسان است همواره در معرض نوعی دخالت، عمران و آمایش بوده است. آنچه نوآوری است تغییر هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده سرزمین و روش‌های تهیه و اجرای این‌گونه برنامه‌هاست. فرانسه از شمار معدود کشورهایی است که طی نیم قرن گذشته برنامه‌ریزی مدون آمایش سرزمین داشته و دستگاه‌های مشخصی را برای تهیه و اجرای برنامه‌هایی از این دست برپا کرده است. فکر برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در فرانسه در سال ۱۹۴۷ با انتشار کتاب پاریس و بیابان فرانسه از سوی شخصی به نام ژان فرانسوا گراویه پدیدار شد. از آن تاریخ به بعد تا سال ۱۹۷۵ این شیوه برنامه‌ریزی در فرانسه دوران موفق و به‌قول فرانسویان دوران سی‌ساله «شکوه‌مندی» را پشت سر گذاشت. اما در دهه ۹۰-۱۹۸۰ در فرانسه شاهد افول آمایش سرزمین هستیم. از سر گرفته شدن آمایش سرزمین در این کشور از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد است (آمایش سرزمین در ایران، ۱۳۸۹). در مطالعه‌ای که به سفارش مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره تدوین سیاست‌های کلی آمایش سرزمین صورت گرفته است، اهداف برنامه‌ریزی چند کشور به صورت خلاصه در جدول ذیل جمع‌بندی شده‌اند.

جدول ۱. مقایسه اهداف برنامه‌های کشورها از اجرای سیاست‌های آمایشی

اهداف	کشور	ردیف
<p>۱. شکوفایی شخصیت؛ ۲. حفاظت از منابع طبیعی؛ ۳. پایداری به مفهوم بهره‌برداری بلندمدت؛ ۴. عدالت اجتماعی در پهنه سرزمینی؛ ۵. تمرکز و عدم تمرکز در قالب آمایش عمومی و آمایش محلی.</p>	آلمان	۱
<p>۱. استفاده اقتصادی و خردمندانه از فضا و محیط؛ ۲. شکوفایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه؛ ۳. مهار روندهای توسعه.</p>	اتریش	۲
<p>۱. بهره‌برداری بهینه از سرزمین (کمی و کیفی)؛ ۲. توسعه هماهنگ کل کشور؛ ۳. توجه به نیازهای مردم و اقتصاد در رابطه با کیفیت زندگی؛ ۴. حفاظت از منابع طبیعی.</p>	سوئیس	۳
<p>۱. تحقق سیاست محلی مسکن؛ ۲. سامان‌دهی فعالیت‌های موجود و جدید اقتصادی؛ ۳. توسعه گذران اوقات فراغت و گردشگری؛ ۴. پدیدآوردن تجهیزات عمومی؛ ۵. مبارزه علیه نابهنجاری؛ ۶. ارزشمندسازی میراث ساخته و غیرساخته؛ ۷. حفاظت از فضاهای طبیعی.</p>	فرانسه ۱۹۸۵	۴
<p>۱. حفاظت از محیط زیست (زمین، هوا، آب)؛ ۲. توسعه اقتصادی مناطق در یک دورنمای بلندمدت (پایداری توسعه)؛ ۳. دسترسی به خدمات عمومی و خصوصی با کیفیت؛ ۴. همخوانی با سیاست‌های آمایش سرزمین جامعه اروپا به‌خصوص در مناطق مرزی.</p>	پیشنهادی فرانسه با توجه به اهداف آمایش سرزمین، آلمان، اتریش و سوئیس	۵

اهداف	کشور	ردیف
<p>۱. شبکه‌بندی براساس سکونت‌گاه‌ها و شهرهای متوسط؛</p> <p>۲. اعتباردادن به ساختارهای شهری و جواب‌گوی رقابت جهانی؛</p> <p>۳. فراهم کردن و تضمین شرایط توسعه پایدار؛</p> <p>مشارکت و استقرار دموکراسی مشارکتی.</p>	فرانسه ۱۹۹۷	۶
<p>۱. جبران عقب‌ماندگی مناطق کم‌تر توسعه‌یافته؛</p> <p>۲. تغییر فعالیت‌های مناطق دچار افول؛</p> <p>۳. مقابله با بیکاری‌های بلندمدت؛</p> <p>۴. وارد کردن جوانان به بازار کار (ادغام حرفه‌ای جوانان)؛</p> <p>۵. تغییر ساختار کشاورزی؛</p> <p>۶. توسعه مناطق روستایی.</p>	اروپا	۷
<p>۱. توسعه اجتماعی - اقتصادی متعادل مناطق؛</p> <p>۲. بهبود کیفیت زندگی؛</p> <p>۳. بهره‌برداری عقلانی از سرزمین؛</p> <p>۴. ایجاد شرایط زندگی قابل قبول در مناطق روستایی؛</p> <p>۵. مهارشدن مناطق شهری اشباع‌شده؛</p> <p>۶. همکاری فرامرزی و توجه به اثرات فرامرزی برنامه‌ها؛</p> <p>۷. آمایش مناطق کوهستانی؛</p> <p>۸. تقویت ساختار مناطق با ساختار ضعیف؛</p> <p>۹. تجدید ساختار فعالیت‌های مناطق در حال افول؛</p> <p>۱۰. آمایش مناطق ساحلی و جزیره‌ها.</p>	میثاق اروپا ۱۹۸۳ اهداف اختصاصی میثاق اروپا	۸
<p>۱. ایجاد مناطق مستقل (عدم تمرکز)؛</p> <p>۲. ساختن زاپنی امن و دلپذیر برای زندگی؛</p> <p>۳. ترمیم و تقویت محیط زیست؛</p> <p>۴. ساختن جامعه‌ای از نظر اقتصادی قدرتمند؛</p> <p>۵. گشایش بر جهان.</p>	ژاپن	۹

اهداف	کشور	ردیف
۱. ارتقای کیفیت محیط زیست انسان؛ ۲. توزیع بهینه جمعیت، اشتغال و تسهیلات؛ ۳. ایجاد انسجام و هماهنگی میان برنامه‌ها؛ ۴. اثرگذاری دموکراتیک بر سیاست‌های برنامه‌ریزی کالبدی؛ ۵. ایجاد انسجام و هماهنگی میان سیاست‌های ملی، استانی و محلی؛ ۶. ایجاد هماهنگی افقی میان وزارتخانه‌ها؛ ۷. ایجاد هماهنگی عمودی در سطوح گوناگون مدیریت دولتی؛ ۸. ایجاد آگاهی نسبت به رابطه بین توسعه اجتماعی و فضایی.	هلند	۱۰
۱. توسعه سالم جامعه از نظر بیولوژیکی؛ ۲. مدیریت عقلایی فضایی فیزیکی؛ ۳. حذف نابرابری‌های فضایی؛ ۴. بالندگی افراد به‌ویژه در زمینه علم، فرهنگ و مشارکت اجتماعی.	لهستان	۱۱

(بلوریان، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۸).

واژه «آمایش» در کشورهای غربی تعریف واحدی ندارد. در کشورهایی که در آن‌ها برنامه‌ریزی توسعه در مقیاس ملی وجود ندارد، آمایش گرايشی به سوی شهرسازی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای دارد که در تحقق اهداف آن بخش خصوصی بسیار فعال است. ایالات متحده در رأس چنین کشورهایی است. هر جا که بخش خصوصی بیشترین نقش را در توسعه ایفا می‌کند، برنامه‌ریزی دولتی رنگ می‌بازد و اگر هست (مانند برنامه‌ریزی در حد کلان شهرها - شهرسازی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای) متمرکز بر ساختارهایی زیربنایی در فضای فعالیت بخش خصوصی است. آخرین پیشرفت‌هایی که در سه دهه گذشته در

این نوع کشورها صورت گرفته، توجه به محیط زیست، توسعه پایدار، جایگزینی انرژی‌های نو به جای انرژی‌های فسیلی و نیز توجه بیشتر به عدالت اجتماعی و فرهنگی مشارکت مردم از پایین‌ترین رده‌های اجتماعی (grass root) تا بالاترین مقیاس است که در این مقیاس احزاب نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. کشورهای اروپایی به‌درجاتی آمایش را به‌عنوان یک راهکار برنامه‌ریزی در مقیاس ملی و تقسیمات کشوری پذیرفته‌اند. اما ویژگی این کشورها که عمدتاً در اتحادیه اروپا ادغام شده‌اند، گزینش همکاری و همیاری به‌جای رقابت‌های نابودکننده است. همکاری و تعامل کشورهای همجوار موجب کاهش هزینه‌های رقابت و دفاعی و هم‌افزایی امکانات ملی و منطقه‌ای و بارورشدن منابع مشترک میان کشورها می‌شود. این وضعیت در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران هنوز به‌وجود نیامده است و اگر به‌وجود آمده هنوز به‌روزرسانی نشده است. برای مثال اگرچه سازمان همکاری اقتصادی اکو (Economic Cooperation Organization)، متشکل از سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه (در سال ۱۹۶۴ نخستین بار این سازمان را پایه‌ریزی کردند. این سازمان در ابتدا با نام «آر. سی. دی» - که نام اختصاری سازمان همکاری عمران منطقه‌ای است - آغاز به کار کرد. پس از انقلاب (۱۳۵۷) در ایران، کار سازمان با وقفه مواجه شد و در سال ۱۳۶۴ با نام «اکو» حیات خود را از سر گرفت) برای ایجاد همکاری اقتصادی میان کشورهای ایران و کشورهای همجوار ایجاد شده و به دستاوردهای مهمی نیز نایل شده است، اما هنوز رقابت‌های ناسالم، چشم‌وهم‌چشمی و حساسیت‌های تخریب‌کننده میان ما و همسایگان ما باقی است و با یک تلنگر حالت بحرانی به خود می‌گیرد. از این رو هنگامی که از آمایش سرزمین و کاربرد آن در ایران سخن گفته می‌شود این ریزه‌کاری‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. استفاده از روش‌ها و روش‌شناسی آمایش که در غرب شکل گرفته است بدون توجه به این ریزه‌کاری‌ها و بومی‌سازی آن‌ها امکان‌پذیر نیست (عظیمی بلوریان، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۲).

بسیاری از کشورهای در حال توسعه روزگاری مستعمره کشورهای استعمارگر بودند و یا تحت نفوذ سیاست‌های مداخله‌گرانه آن‌ها قرار داشته‌اند. کشورهای توسعه‌یافته مسیر توسعه را در سال‌های متمادی با برنامه و تئوری‌های علمی و کاربردی طی کرده و به‌صورت متوازن رشد کردند اما در کشورهای توسعه‌نیافته و یا عقب‌نگاه‌داشته شده جریان توسعه بسیار نامتناسب و غیراصولی است. عموماً در این کشورها مدل‌ها و طرح‌های کشورهای مختلف مورد اجرا گذاشته می‌شود که کاربری لازم را ندارند. لذا توسعه در کشورهای در حال رشد با مسائل و مشکلات بسیار همراه است. در ایران نیز به‌دلیل درگیری‌های منطقه‌ای بسیار و مناقشات فراوان توسعه کشور به‌صورت نامتوازن انجام پذیرفت.

۲. تاریخچه آمایش سرزمین در ایران

نخستین بار در گزارش مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به‌سال ۱۳۴۵ بحث آمایش سرزمین در پهنه جغرافیایی کشور مطرح شد. سپس در سال ۱۳۵۱ مهندسین مشاور ستیران طی یادداشتی مباحث و روش‌های آمایش سرزمین را ارائه کردند. به‌دنبال آن با تأسیس مرکز آمایش سرزمین در بهمن سال ۱۳۵۳، قرارداد مطالعات آمایش سرزمین در خردادماه ۱۳۵۴ بین سازمان برنامه و بودجه و مهندسین مشاور ستیران منعقد شد و گزارش این مطالعات در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ انتشار یافت.

با پیروزی انقلاب اسلامی و طبق اصل چهل‌وهشتم قانون اساسی توجه به توسعه متعادل و متوازن کشور دوباره مورد تأکید قرار گرفت. براساس این اصل، در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور نباید تبعیض وجود داشته باشد و هر منطقه باید فراخور نیازها و استعداد خویش، سرمایه و امکانات لازم داشته باشد.

در این راستا از ابتدای دهه ۱۳۶۰، مطالعات پایه آمایش سرزمین اسلامی توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه انجام پذیرفت که نتایج این مطالعات در سال ۱۳۶۴ در چندین مجلد منتشر شد. در همین ارتباط و برای عملی‌ساختن اجرای اصل چهل‌وهشتم قانون اساسی از سال ۱۳۸۰، تهیه طرح آمایش سرزمین به عهده دولت نهاده شد. بر این اساس مطابق لوایح و مواد قانونی از جمله پیوست شماره دو لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۳-۱۳۷۹) با موضوع آمایش سرزمین مستنداً به مواد ۷۲، ۷۴ و ۷۵ از فصل ششم قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه و همچنین مواد ۹ و ۱۱ ضوابط ملی آمایش سرزمین، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سایر دستگاه‌های اجرایی کشور مکلف به رعایت جهت‌گیری‌های ملی، راهبردهای استانی و راهبردهای بخشی آمایش شدند. از این رو مقرر شد مطالعات آمایش سرزمین با سه رویکرد: تأثیر تحولات جهانی، منطقه‌ای و داخلی، تعمیق نگرش بلندمدت و پایدار در راهبردهای توسعه کشور و تهیه طرح‌های ویژه از نظر موضوعی و یا محدوده جغرافیایی انجام شود و سازمان‌دهی مطالعات آمایش سرزمین به گونه‌ای صورت پذیرد که برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و برنامه‌ریزی میان‌مدت توسعه کشور به طور کامل، سند آمایش سرزمین را نیز پوشش دهد. به همین منظور طبق ماده ۱۲ ضوابط ملی آمایش سرزمین، دستگاه‌های اجرایی کشور موظف شدند در چارچوب دستورالعمل‌های مطالعاتی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه می‌نماید، مطالعات بخشی، فرابخشی و منطقه‌ای آتی خود را با رویکرد آمایشی انجام دهند (مطالعات آمایش سرزمین، ۱۳۹۰: ۳).

مطالعات آمایش سرزمین در سطح ملی به مصوبه ضوابط ملی آمایش سرزمین در سال ۱۳۸۳ منجر شد و براساس آن مرکز ملی و شورای آمایش

سرزمین تأسیس شد که با تغییر دولت و انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هر دو منحل شدند. در سال ۱۳۸۹ مجدداً در معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، امور آمایش و توسعه منطقه‌ای تشکیل شد. شورای آمایش سرزمین براساس ماده ۱۸۲ برنامه پنجم توسعه برای بار دوم فعال شد. نگاه کلی به تاریخچه آمایش نشان از برخورد سلیقه‌ای دولت‌ها با این امر حیاتی در نظام برنامه‌ریزی دارد و ضرورت ایجاد جایگاهی مناسب برای آمایش سرزمین را در نظام برنامه‌ریزی کشور نشان می‌دهد. این در حالی بود که برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران از برنامه سوم آغاز شده بود و نمودهای عملی آن در برنامه‌های بعدی قبل از انقلاب به تحقق پیوست. اکنون در نظام برنامه‌ریزی کشور، تهیه برنامه‌های راهبردی و بخشی بلندمدت و میان‌مدت رایج است؛ اما در تهیه برنامه‌های فضایی بلندمدت و میان‌مدت همواره کاستی‌هایی مشهود است. لذا ضروری است، برنامه‌ریزی فضایی بلندمدت و تحقق ضمانت‌های اجرایی آن، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، فرآیندسازی و اقدام درستی اتخاذ شود.

یکی از مشکلات آمایش سرزمین در ایران مشخص نبودن طرح جامع و استاندارد آمایش سرزمین به‌ویژه آمایش فرهنگی به‌صورت شفاف، روشن، صریح و عملیاتی است. هدف از تشکیل سازمان برنامه و بودجه هدایت سرمایه‌های مادی و معنوی به سوی توسعه همه‌جانبه کشور است. برنامه‌های چندساله حتماً باید از یک برنامه بالادستی و از تئوری‌ها و مدل‌های ثابت‌شده و به‌روزرسانی‌شده پیروی کنند که متأسفانه این مهم تا امروز کمتر محقق شده است.

۳. جایگاه آمایش سرزمین در اسناد توسعه

جایگاه آمایش سرزمین در اسناد توسعه پنج‌ساله کشور به‌عنوان یک رکن

سیاست‌گذار و جهت‌دهنده به فرایندهای سازمان‌دهی فضایی توسعه بخش‌ها در پهنه سرزمینی لحاظ شده است. آمایش سرزمین، در سطحی فراتر از یک طرح یا برنامه قرار داشته و مبتنی بر یک انگاره اصلی و سنجش قابلیت‌ها، شایستگی‌ها، چالش‌ها و نیازها نه در چارچوب یک پروژه که در مقام یک راهبر توسعه نسبت به ارائه نقشه سازمان فضایی مطلوب کشور و مجموعه راهبردها، سیاست‌ها، و جهت‌گیری‌های مورد نیاز برای نیل به چشم‌انداز بلندمدت توسعه ملی اهتمام می‌ورزد.

۴. ضوابط ملی آمایش سرزمین

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هیئت وزیران در جلسه مورخ ۸۳/۸/۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۳۴۱۰۸، ۱۰۱ مورخ ۸۳/۷/۲۵ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضوابط ملی آمایش سرزمین را تصویب کرد. مهم‌ترین جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین که در استای تبیین فضایی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و ترسیم الزامات تحقق آن در توسعه بلندمدت کشور و مبتنی بر اصول مصوب آمایش سرزمین تدوین شده، شامل ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارآیی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور، رفع محرومیت‌ها، به‌خصوص در مناطق روستایی کشور تنظیم شده است. درباره مباحث فرهنگی در سند ضوابط ملی آمایش سرزمین موارد ذیل آمده است.

بند ۱۱ درباره گسترش تعامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون و بین منطقه‌ای در راستای تقویت همبستگی ملی؛ بند ۱۲ تأکید بر حفظ و

پویایی هویت ایرانی - اسلامی در تعامل با برون‌نگری و اتکا بر این هویت برای تحکیم و انسجام وحدت ملی در ابعاد درونی؛ بند ۳۱ ارتقای جایگاه صنعت گردشگری در اقتصاد ملی، از طریق استفاده از ظرفیت‌های طبیعی، تاریخی و میراث فرهنگی کشور و گسترش و تسهیل ارتباطات بین مناطق، به‌منظور تقویت پیوند بین اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها و همچنین گسترش تعاملات فرهنگی فراملی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، پیوست ۴).

آمایش سرزمین در یک نگاه



گفتار دوم: تعریف فرهنگ

در سند ملی توسعه فرهنگ به عنوان سرمایه معنوی، مادی و متراکم شده جوامع و اصلی ترین عامل حفظ و تقویت هویت ملی - دینی و تاریخی مردم یک کشور شناخته می شود. با این نگاه فرهنگ را از حیث ویژگی ها و کارکردهای آن در دو سطح می توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که از آن به عنوان ساحت معنوی (بعد اساسی) و ساحت مادی (بعد مشهود یا متبلور) فرهنگ یاد می شود. سطح بنیادین یا اساسی فرهنگ شامل ارزش ها، هنجارها، رفتارها، بایدها و نبایدها، اعتقادات و نگرش هاست و سطح مشهود آن به کالاها، محصولات، خدمات و ابزارهای فرهنگی نظیر کتاب، مطبوعات، هنر، سینما، زبان، آداب و رسوم، سنن، رفتارها، اطلاع رسانی، تبلیغ و مواردی از این دست بازمی گردد. اصحاب فکر و اندیشه، اهالی فرهنگ و متخصصان علوم انسانی و اسلامی اتفاق نظر دارند که ظرفیت لایه زیرین یا ساحت معنوی فرهنگ است که قادر است آراسته شدن به فضائل اخلاقی و صفات معنوی چون خیرخواهی، ایثار، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، آرمان خواهی، کمال جویی، ظلم ستیزی، عدالت خواهی، خلاقیت، دانش طلبی، استقلال خواهی، وطن خواهی، عزت نفس، مقابله با خرافات و موهومات و تحجر فکری را موجب شده یا آن را تقویت کند. پس سیاست گذاری، برنامه ریزی و طراحی اقدامات و فعالیتها در حوزه مدیریت فرهنگی باید همواره بعد زیرین فرهنگ را در کانون توجه داشته باشد، زیرا هرگونه برنامه، فعالیت و تلاش در این زمینه بدون توجه به لایه اساسی و ابعاد معنوی فرهنگ اثربخش نخواهد بود.

۱. ویژگی ها و ساختار حوزه فرهنگ

ویژگی های بخش فرهنگ را از دو جنبه می توان بررسی کرد. جنبه اول وظیفه است که این بخش را توسعه عمومی کشور یا به عبارت دیگر فرهنگ توسعه

برعهده دارد. در این رویکرد مهم‌ترین وظیفه بخش فرهنگ ایجاد زیرساخت‌ها و فراهم کردن بسترهای مناسب با استفاده از ظرفیت نهادی بخش فرهنگ برای تحقق رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و... است. به عبارت دیگر مفهوم فرهنگ توسعه ناظر بر این واقعیت است که دستیابی به توسعه همه‌جانبه مستلزم تقویت زمینه‌های فرهنگی است، زیرا توسعه نامتوازن و بدون توجه به ویژگی‌های فرهنگی نه تنها امیدوارکننده نیست، بلکه مخاطرات و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند که در بلندمدت می‌توانند تضعیف هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه را به دنبال داشته باشند. برای مثال اثرات جهش‌های بسیار سریع و فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیای کنونی و تأثیر آن بر مفهوم کسب و کار، نحوه زندگی، گذران اوقات فراغت و تعاملات مردم با یکدیگر پیش از آن که از بُعد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد باید از بُعد فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل شود، به طوری که تعامل مشترک این دو با یکدیگر کیفیت زندگی معنوی و مادی افراد را بهبود بخشد.

مفهوم فرهنگ توسعه نشان می‌دهد که فراهم کردن زمینه‌ها و ساختارهای مناسب با هدف تأثیر بر نظام‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف در گستره محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی بر مبنای زمینه‌ها، چارچوب‌ها و بسترهای فرهنگی از موضوعاتی است که به طور جدی باید در کانون توجه قرار باشد، به گونه‌ای که حساسیت، توجه و جهت‌گیری مدیران سایر بخش‌ها را در تصمیمات مدیریتی حوزه زیر مسؤولیت خود به ابعاد فرهنگی سیاست‌ها، برنامه، طرح‌ها، اقدامات و فعالیت‌ها مضاعف سازد.

در نظر گرفتن چنین وظایفی برای بخش فرهنگ مستلزم نگاه فرابخشی به مقوله فرهنگ است، به نحوی که بتوان آثار ابعاد فرهنگی را در سطوح مختلف تصمیم‌گیری شاهد بود. از سوی دیگر این موضع بیان‌گر آن است که متولیان برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی کشور نباید برنامه‌ها و فعالیت‌ها را آن قدر

محدود و محصور در نظر گیرند که فقط به توسعه بخش فرهنگ معطوف باشد، زیرا همواره وجود تعامل متقابل و پویا میان فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی است که می‌تواند هم‌افزایی اقدامات را بهبود بخشد.

بخش زیادی از برنامه بخش فرهنگ معطوف به توسعه مناسبات بین بخش فرهنگ معطوف به توسعه مناسبات بین بخش فرهنگ با سایر بخش‌هاست. بنابراین، باید سیاست‌ها و برنامه‌های این بخش را به‌گونه‌ای طراحی کرد که از یک‌سو به رشد سایر بخش‌ها کمک کند و از سوی دیگر افزایش کیفی و کمی فعالیت بخش فرهنگ نیز حاصل شود. تأکید درست و به‌جای متخصصان علوم اجتماعی و اقتصادی بر طراحی سازوکارهای لازم برای همسوسازی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی با مفروضات بنیادین فرهنگی ناظر بر این واقعیت است که فقدان تنظیم تعاملات میان بخش فرهنگ با سایر بخش‌ها و بالعکس، به عقب‌افتادگی جامعه و کشور در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منجر خواهد شد.

جنبه دوم وظایف بخش فرهنگ به توسعه فرهنگی معطوف است. این جنبه به تأمین حقوق فرهنگی مردم به‌معنای دسترسی عادلانه افراد به کالاها و خدمات فرهنگی اشاره دارد.

توسعه فرهنگی فرایندی کیفی است که برای ارزیابی آن از نشان‌گرهای کمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالاها، محصولات و خدمات استفاده می‌شود. شاخص‌هایی نظیر عناوین و شمارگان کتاب و مطبوعات، تعداد کتابخانه‌های عمومی و خصوصی، تعداد موزه‌ها، تعداد سینماها و تالارهای نمایش و ظرفیت آن‌ها، تعداد و ظرفیت مجتمع‌های فرهنگی و هنری، تعداد فیلم‌های تولیدشده، تعداد مساجد و مکان‌های مذهبی و... از جمله نشان‌گرهایی‌اند که از طریق سنجش وضع موجود آن‌ها سطح توسعه فرهنگی نیز مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های بخش فرهنگ عبارتند از:

۱. نظام هدف‌گذاری و تدوین معیارهای ارزیابی عملکرد در بخش فرهنگ تلفیقی از جنبه‌های کیفی و کمی است، زیرا در واقعیت برخی از فعالیت‌ها به‌ویژه در ابعاد مربوط به ساحت معنوی فرهنگ را نمی‌توان فقط در قالب شاخص‌ها و مفاهیم کمی مطرح کرد؛

۲. فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی همان‌طور که تا حد زیادی از متغیرهای داخلی تأثیر می‌گیرند، در عین حال از جریان‌های فرهنگی بین‌المللی و جهانی به‌ویژه در مقوله مصرف فرهنگی نیز متأثرند؛

۳. در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های این بخش ضمن حفظ و تقویت فضای حاکمیتی دولت به‌گونه‌ای باید اقدام شود که از یک‌سو ظرفیت‌های بخش غیردولتی در این زمینه فعال‌تر شود و از سوی دیگر بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی در مدیریت فرهنگی به‌عنوان یک راهبرد اساسی و اجتناب‌ناپذیر، شتاب بیشتری گیرد؛

۴. سرمایه‌گذاری و تقویت زمینه‌های دارای مزیت نسبی بازده بیشتری دارد و پرداختن به آن باید در اولویت قرار گیرد.

۵. سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی همواره مراقبت‌های لازم را برای صیانت از فرهنگ و جلوگیری از در اولویت قرارگرفتن رویکردهای سوداگرانه و فعالیت‌های فرهنگی در دستور کار داشته باشند؛

۶. بخش چشم‌گیری از فعالیت‌های فرهنگی به‌وسیله گروه‌های قومی و زبانی و خرده‌فرهنگ‌های رایج کشور شکل می‌گیرد. کشور ما دارای تنوع قومی و زبانی است. بنابراین هرگونه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی هنگامی موفق و اثربخش خواهد بود که اولاً تنوع و تفاوت‌های فرهنگی را پذیرا باشد و ثانیاً با طراحی سازوکارهای متناسب از ظرفیت خرده‌فرهنگ‌ها برای تنظیم تبادلات با فرهنگ ملی و تقویت آن بهره‌مند شود؛

۷. ظهور و توسعه فناوری‌های نوین، عرصه‌های مختلف را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیر در حوزه فرهنگ در حال و آینده به مراتب جدی‌تر خواهد بود، به طوری که ویژگی‌های خاص فرهنگی‌ای را در آینده پدید خواهد آورد. انتخاب نگرش فعال و کسب آمادگی برای تعامل مؤثر با این پدیده و بهره‌گیری فزاینده از ظرفیت‌های آن برای تقویت ابعاد فرهنگی مواردی است که نظام برنامه‌ریزی همواره باید آن را نظارت، مراقبت و مدیریت کند؛

۸. اگر دولت حمایت‌های مادی و معنوی لازم را برای این بخش فراهم نکند، سبب افزایش قیمت تولیدات این بخش شده و این چرخه سبب تجملی‌شدن تولیدات فرهنگی و هنری و دستیابی افراد خاص بدان‌ها می‌شود. بنابراین ضرورت دارد دولت در بخش قیمت تولیدات فرهنگی، نظارت و کنترل داشته باشد.

ساختار بخش فرهنگ

نگاه به بخش فرهنگ با دیدگاه نظام‌مند نشان می‌دهد که سه مؤلفه اصلی با عنوان حاکمیت، مصرف‌کننده، و تولیدکننده اعم از دولتی و غیردولتی ساختار بخش را تشکیل می‌دهند. فرهنگ و هنر بنیان جامعه را پی‌ریزی می‌کند و هر جامعه‌ای هر چقدر هم که نوپا باشد، دوام و بقای آن مبتنی بر اصول فرهنگی است که هویت جامعه و افراد آن را می‌سازد. بنابراین مهم‌ترین رکن هویت‌بخش در هر جامعه پیشینه و غنای فرهنگی آن است. با توجه به این امر و تأکید بر این نکته که ایران اسلامی از کهن‌ترین و اصیل‌ترین فرهنگ‌های جهانی برخوردار است، سیاست‌گذاران و مسئولان کشور را بر آن می‌دارد که همواره در تدوین و تعیین اهداف و سیاست‌های کلان و بلندمدت جایگاه ویژه‌ای برای فرهنگ قائل باشند و فرهنگ را از ارکان اساسی جامعه محسوب کنند. این رویکرد تا جایی پیش رفته که روح حاکم بر چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری

اسلامی ایران مبتنی بر فرهنگ و مؤلفه‌های هویت‌بخش آن است. بخش فرهنگ در نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور ظرفیت و قابلیت‌های زیادی در بقا، پیشرفت و توسعه جامعه دارد. اتکا به این ظرفیت‌ها در کشوری چون ایران که از پیشینه و غنای فرهنگی چشم‌گیری برخوردار است، می‌تواند از ارکان اصلی و پشتوانه‌های قوی در برنامه‌های توسعه فرهنگ باشد.

ظرفیت‌های فرهنگی امکانات بالقوه‌ای‌اند که آهنگ توسعه را موزون و پرشتاب می‌کنند و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی باید شناخته شده و در معرض توجه قرار گیرند. هرگونه اتخاذ هدف بدون توجه به این ظرفیت‌ها با شکست روبه‌رو خواهد شد. ظرفیت‌های فرهنگی کشور را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی و مطالعه کرد:

۱. ظرفیت‌های دینی و ملی؛
۲. آثار و محصولات فرهنگی و هنری به‌عنوان تأمین‌کننده نیاز روحی و معنوی انسان‌ها؛
۳. اقتصاد فرهنگ و اشتغال‌زایی؛
۴. نقش محوری فرهنگ در توسعه و تثبیت مناسبات و مبادلات بین‌المللی؛
۵. فرهنگ به‌عنوان هویت‌بخش و تضمین‌کننده یکپارچگی ملی؛
۶. غنی‌سازی اوقات فراغت؛
۷. منابع انسانی بخش فرهنگ؛
۸. ظرفیت‌های عمومی دولتی.

۲. ساختار مدیریت فرهنگی کشور

دیدگاه‌های مختلفی در تعریف نقش دولت در مدیریت فرهنگی وجود دارد. برخی معتقدند که دولت نباید در فعالیت‌های فرهنگی دخالت کند و برخی دیگر به لزوم دخالت مستقیم دولت در تمام فعالیت‌های فرهنگی معتقدند. این

تفاوت دیدگاه‌ها و تبعات آن سبب شده است که نحوه حضور و مدیریت دولت در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری دچار نوسانات شدید شده و در پرده‌ای از ابهام باشد.

یکی از چالش‌های اساسی در حوزه مدیریت فرهنگی، نبود تعریف مشخص و صحیح از نقش، جایگاه و مسئولیت‌های دولت در هدایت، حمایت، نظارت و اجرا در حوزه فرهنگ و هنر است. این معضل مدیریت فرهنگی را مبهم و ناهماهنگ می‌سازد. از سوی دیگر در حال حاضر، دستگاه‌ها و نهادهای متعددی در حوزه فرهنگ و هنر فعالیت دارند.

هریک از سازمان‌ها عهده‌دار انجام فعالیت‌هایی در عرصه فرهنگ و هنر کشور هستند و گاهی در برخی از فعالیت‌ها چندین دستگاه و سازمان خود را متولی اجرای آن می‌دانند. بنابراین آنچه دیده می‌شود تداخل و ناهماهنگی میان سازمان‌ها در انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور است. از سوی دیگر دستگاه‌های متعددی خود را موظف به نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور می‌دانند که اگر دولت تکلیف بخش فرهنگ را در قبال هر یک از این مراجع نظارتی مشخص نکند، همواره عوامل بازدارنده غیرقانونی و غیرقابل پیش‌بینی مانع روند توسعه این بخش خواهد شد.

سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای فعال در این عرصه، ضمن استفاده از بودجه دولت، سیاست‌های فرهنگی دولت را بر نمی‌تابند و خود را ملزم به پاسخ‌گویی نمی‌دانند و گاه خود در نقش سیاست‌گذار ظاهر شده و برای بخش فرهنگ و هنر تصمیم‌گیری می‌کنند. از آن‌جا که فلسفه وجودی این‌گونه سازمان‌ها برای دوره معینی تعریف شده است، سازمان‌های مذکور بعد از پایان مأموریت خود در پی تعریف وظایف جدیدی برمی‌آیند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند و این تسلسل موازی کاری و تداخل همچنان ادامه می‌یابد.

فصل دوم

ابعاد آمایش سرزمین در حوزه فرهنگ

گفتار اول: آمایش سرزمین در حوزه فرهنگ

گفتار اول: آمایش سرزمین در حوزه فرهنگ

هرگونه برنامه‌ریزی در حوزه آمایش فرهنگی باید به کمال رساندن استعدادها و شایستگی‌های انسان را در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه قرار دهد. از این حیث نیز می‌باید آمایش فرهنگی و آمایش در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارتباطی زنده و پویا طراحی شود تا از مجرای آن امکان استفاده از ظرفیت‌های متقابل برای توسعه همه‌جانبه جامعه و کشور فراهم شود.

این امر نشان می‌دهد که اولاً آمایش در حوزه فرهنگ، گستره بیشتری را در مقایسه با دیگر حوزه‌ها دربرمی‌گیرد. ثانیاً برای آمایش در حوزه فرهنگ، باید دیدگاه‌ها و نگرش کلان و فرابخشی را همواره مدنظر قرارداد. ثالثاً در طراحی برنامه‌ها و اقدامات مرتبط مشهود فرهنگ، همواره باید این تعاملات در نظر گرفته شود.

مسئله مهم در آمایش و برنامه‌ریزی فضایی این است که تفکیک فضایی با تفکیک اجتماعی به‌طور همزمان مدنظر قرار گیرد و رابطه این دو به‌خوبی ادراک شود. بر این اساس منطقه‌بندی مناطق براساس مرزهای جغرافیایی و سازمانی معنای اجتماعی پیدا می‌کند، به‌طوری‌که می‌توان تفاوت‌های معنادار از لحاظ بسیاری متغیرهای اجتماعی بین مرزهای مناطق کشف نمود. این در حالی است که مرزبندی مناطق با توجه به مقتضیات سازمان‌ها صورت می‌گیرد نه براساس مقتضیات ساکنان درون مرزها.

آمایش فرهنگی سرزمین به نحوه توزیع امکانات و خدمات فرهنگی در مناطق مختلف اشاره دارد که وضع موجود شهر ممکن است با حالت مطلوب تطابق یا تفاوت داشته باشد. حالت مطلوب را می‌توان با بحث عدالت اجتماعی و اصول اخلاقی حاکم بر حقوق شهروندان و نیاز آنان به رشد مادی و معنوی مربوط دانست. لذا در بحث آمایش فرهنگی این نکته حائز اهمیت است که در تقسیم‌بندی فضایی و توزیع امکانات ناگزیر باید مشخصات اجتماعی و مقتضیات ساکنان مناطق مورد توجه قرار گیرد. نکته مهم دیگر که چگونگی توزیع امکانات و استفاده از آنهاست به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنان بستگی دارد و به‌نوبه خود بر ارزش‌ها، ترجیحات و تقاضای مردم درباره امکانات تأثیر می‌گذارد (بهروان، ۱۳۸۵: ۴).

تنوع ارزش‌های فرهنگی و در نتیجه تنوع تقاضاها و خواست‌های اقشار اجتماعی مسائل مربوط به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را بسیار پیچیده می‌سازد. برنامه‌ریزی نیازمند داشتن اطلاعات کافی درباره خواست‌ها و تقاضای افراد در مناطق است. چنین برنامه‌ریزی معطوف به نیاز افراد با برنامه‌ریزی از بالا به پایین که معطوف به مقتضیات درون سازمانی ارائه‌کنندگان خدمات است کاملاً تفاوت دارد.

در توسعه پایدار اجتماعی فرایندهایی که برای رسیدن به اهدافی همچون عدالت‌خواهی، تأمین نیازهای اساسی، ارتقای رفاه فیزیکی، ذهنی، اجتماعی جمعیت، حفظ میراث فرهنگی و زیستی و مردم‌سالاری و مشارکت ابداع می‌شوند زیرساخت‌های نرم جامعه نامیده می‌شوند. این اصطلاح را لن دال، استاد دانشگاه برکلی، به کار گرفت. این زیرساخت‌های نرم شامل خدمات معمولی انسانی (بهداشت، خدمات فرهنگی، اجتماعی، اوقاف فراغت و...) و نیز ساختار غیررسمی جامعه، شبکه سازمان‌های داوطلب و روابط اجتماعی‌اند که جامعه را شکل می‌دهند. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای از جمله

برنامه‌های مبتنی بر آمایش اگر بخواهد جوامع فعالی ایجاد کند باید در همه امور یکپارچگی بین همه این عناصر ایجاد کند و همان اندازه که به زیرساخت‌های سخت بها می‌دهد به زیرساخت‌های نرم (از طریق تأکید بر حیطه فرهنگی آمایش) نیز توجه کند.

برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نیز تعادل بخشی به آن‌ها در درون توسعه و نوسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. زیرا دولت و سازمان‌های اجرایی وظیفه دارند تا بخشی از محیط اجرایی و سازمانی را براساس ضرورت‌های آینده فعال سازند.

بر این اساس مطالعات اجتماعی و فرهنگی در فرآیندهایی که به مهندسی اجتماعی و مهندسی فرهنگی منجر می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد شد. در این شرایط ضروری است تا برنامه توسعه و تحولات محیط اجتماعی ضمن پیوند با یکدیگر، روندهای تعدیل را برای بهینه‌سازی الگوها و روش‌ها در جهت اصلاح کارکردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در راستای اهداف بازسازی نماید. هر کشوری که بتواند بین دو مؤلفه یادشده همبستگی مؤثری ایجاد کند، در نهایت قادر خواهد شد تا فرایند توسعه و دگرگونی در ساختارها و فرآیندها را در روند آرام و تعدیل‌شده پی‌گیری نماید. تحقق اهداف یادشده نیازمند درک واقعی و عینی‌تر نسبت به فرآیندهای اجتماعی و نیز واقعیت‌های نهفته جوامع است.

همچنین بحث توزیع امکانات فرهنگی در چارچوب برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های برنامه شهری که دارای دو بعد اساسی، یکی توزیع فضایی جمعیت و دوم تمرکز فضایی ارزش‌ها و رفتارهای وابسته به فرهنگ قابل تحلیل و بررسی است. از این‌رو موضوع آمایش فرهنگی برنامه راهبردی فقط برای اداره سازمان‌های فرهنگی که مأموریت و هدف اصلی آن‌ها ارائه خدمات فرهنگی به جامعه است، نیست بلکه موضوعش همه مردم جامعه و همه سازمان‌های

موجود کشور اعم از فرهنگی و همهٔ مواهب و سرمایه‌های مادی و معنوی موجود در فرهنگ و طبیعت کشور را دربرمی‌گیرد (شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳).

۱. آمایش فرهنگی سرزمین

فرهنگ و هنر بنیان جامعه را پی‌ریزی می‌کند و هر جامعه‌ای هر قدر هم که نوپا باشد، دوام و بقای آن مبتنی بر اصول فرهنگی است که هویت جامعه و افراد آن را می‌سازد؛ بنابراین مهم‌ترین رکن هویت‌بخش در هر جامعه، پیشینه و غنای فرهنگی آن است. با توجه به این امر و تأکید بر این نکته که کشور ایران دارای یکی از کهن‌ترین فرهنگ‌های جهان است، سیاست‌گذاران فرهنگی کشور را بر آن می‌دارد که فرهنگ را از ارکان اساسی جامعه محسوب کنند و جایگاه ویژه‌ای برای آن در تدوین و تعیین اهداف و سیاست‌های کلان و بلندمدت کشور قائل باشند.

این رویکرد تا جایی پیش رفته که چشم‌انداز بیست‌سالهٔ جمهوری اسلامی نیز مبتنی بر فرهنگ و مؤلفه‌های هویت‌بخش آن است؛ تا حدی که اولین بند از ۸ بند این سند بر فرهنگ و عناصر آن و به‌ویژه فرهنگ عمومی جامعه تأکید کرده و در بندهای دیگر نیز به تناسب موضوع، به فرهنگ اشاره شده است.

بند اول افق چشم‌انداز بیست‌ساله، ویژگی‌های زیر را برای جامعهٔ ایرانی برشمرده است: توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

مطالعهٔ وضعیت فرهنگ و هنر و نقش آن در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی امری لازم و مستمر است که با توجه به وضع فرهنگی کشور باید همواره با اهداف خاصی صورت پذیرد. در همین زمینه، استان‌های کشور را

می‌توان کانون تلاقی فرهنگ‌ها و زبان‌ها دانست. فرهنگ به‌عنوان سرمایه معنوی، مادی و متراکم‌شده جوامع و اصلی‌ترین عامل حفظ و تقویت هویت ملی و تاریخی یک کشور و جامعه شناخته می‌شود (خداوردی، ۱۳۹۰: ۱۵). شاید بتوان آمایش را معادل واژه برنامه‌ریزی فضایی دانست. برنامه‌ریزی فضایی نقش مهمی در شکل‌دادن به آینده فضاها و مکان‌هایی که ما زندگی می‌کنیم و ایجاد محیط پایدار ایفا می‌کند. برنامه‌ریزی فضایی می‌تواند دنیای جدیدی را از طریق فضاها، مکان‌های جدید و مکان‌های معنادار به وجود آورد. می‌تواند نشان دهد چگونه مکان‌ها به هم متصل است و چگونه این اتصال و ارتباط می‌تواند بهبود یابد.

این تفکر در دهه ۱۹۵۰ زیربنای اکثر نظریه‌های مربوط به فضا را تشکیل می‌داد و آن را چارچوبی آهنین و در مقابل بافت اجتماعی و فرهنگی همچون موم می‌انگاشت و لذا نقش سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی و غیره را نادیده گرفت.

از این‌رو معمولاً مدیریت کلان و کشوری با برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و فضایی یا به‌عبارت دیگر آمایش سرزمین سعی دارد در جهت سیاست گسترش عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری و محرومیت، دسترسی هموطنان در نقاط مختلف کشور به خدمات و امکانات گوناگون زندگی را فراهم سازد زیرا چنین سیاستی از بروز نارضایتی عمومی و تعارض‌های منطقه‌ای جلوگیری خواهد کرد.

نکته مهم این است که وقتی از نابرابری امکانات سخن به میان می‌آید میزان تقاضا و نیاز شهروندان و درجه شدت آن نیز حائز اهمیت است. بدیهی است همه امکانات و خدمات به یک اندازه مورد تقاضای افراد نیست، لذا دسترسی و کمبود برخورداران آن‌ها در مناطق نمی‌تواند احساس محرومیت ایجاد کند. امکانات و خدمات فرهنگی از این مقوله است، زیرا تقاضای مصرف

آن‌ها برخلاف نیازمندی‌های زیستی و رفاهی مستلزم رشد ذهنی و معنوی افراد است. به عبارت دیگر دسترسی به امکانات فرهنگی نه مستقیماً بلکه به‌طور غیرمستقیم از طریق تغییرات ذهنی و تحول ارزش‌ها و پای‌بندی به هنجارها می‌تواند بر کاهش نابهنجاری‌های عمومی تأثیر گذارد.

در بحث آمایش یا برنامه‌ریزی فضایی دو نوع تفکیک و تمایز مطرح می‌شود: یکی تفکیک فضایی و مرزبندی مناطق؛ دوم تفکیک اجتماعی که درک مردم از چگونگی رابطه خود با دیگران در فضاهای پیرامونی را روشن می‌سازد. سی‌رایت میلز، جامعه‌شناس، مفهوم تخیل جامعه‌شناسی را به کار برد و آن را چیزی می‌داند که همه انسان‌ها باید دارا باشند، زیرا دارنده خود را قادر می‌سازد تا برچسب معنایی که برای درونی و حیات بیرونی انواع افراد قائل است، چشم‌انداز تاریخی و وسیع‌تری را درک کند که در نتیجه آن به فرد کمک می‌کند تجارب خود را بازشناسد و سرنوشت خود را بسنجد. هاروی در مقابل تخیل، جامعه‌شناسی، تخیل جغرافیایی را مطرح می‌سازد و آن را مفهومی می‌داند که فرد را قادر می‌سازد تا نقش فضا و مکان را در زندگی خود دریابد و تشخیص دهد که چگونه ارتباطات میان افراد و سازمان‌ها از فضایی که آنان را از هم جدا می‌کند، تأثیر می‌پذیرد. این تخیل آدمی را از وجود رابطه‌ای که میان او، محله و سرزمین وجود دارد مطلع می‌سازد. همچنین، فرد می‌تواند دربارهٔ ارتباط بین رویدادها در دیگر جاها قضاوت کند. مسئله مهم در آمایش و برنامه‌ریزی فضایی این است که تفکیک فضایی این است که تفکیک فضایی با تفکیک اجتماعی به‌طور همزمان مدنظر قرار گیرد و رابطه این دو به‌خوبی ادراک شود. بر این اساس منطقه‌بندی شهر براساس مرزهای جغرافیایی و سازمان (مثلاً شهرداری) معنای اجتماعی پیدا می‌کند، به‌طوری‌که می‌توان تفاوت‌های معناداری از لحاظ بسیاری متغیرهای اجتماعی بین مرزهای مناطق کشف کرد. این در حالی است که مرزبندی مناطق با توجه به مقتضیات

سازمان‌ها صورت می‌گیرد. براساس مقتضیات ساکنان درون مرزها (بهروان، ۱۳۸۵: ۵) توسعه همه‌جانبه فقط در صورتی تضمین می‌شود که بتوان عوامل فرهنگی را به صورت جزء پیوسته برنامه‌های راهبردی آمایش طراحی کرد. برنامه‌های راهبردی با توجه به بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تعریف می‌شود. از این رو در مرحله برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، باید عوامل فرهنگی را به حساب آورد، خواه به صورت عوامل محدودکننده که از شتاب توسعه می‌کاهند یا به عنوان عواملی که موجبات دگرگونی و تغییر اجتماعی را فراهم می‌آورند (شاپورآبادی، ۱۳۸۵: ۴).

با تبیینی حساب‌شده از ساختار هویت ملی و جوامع منطقه‌ای از طریق آمایش سرزمین می‌توان جهت محرومیت‌زدایی و عدالت‌محوری، در مسیر برنامه‌ریزی منطقه‌ای و الگوی تقسیمات کشوری براساس آن، گام برداشت تا هم‌پیوندی، پراکندگی، هم‌زیستی و تعادل مردم مناطق مختلف را در تقسیمات آتی مدنظر قرار داده و در کنار آن برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای را به برنامه‌های متمرکز کلان و سند چشم‌انداز بیفزاییم، تا تعادلی مناسب بین مناطق مختلف کشور برقرار شود.

در این راه می‌بایست جوامع منطقه‌ای با انواع ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی، نژادی و قومی، زبانی و گویشی، دینی و مذهبی و غیره بررسی و هرگونه برنامه‌ریزی و سامان‌دهی با توجه به آن‌ها صورت گیرد. باید به دنبال فضاسازی حساب‌شده‌ای گشت که بدون پاره‌پاره شدن کشور، اقوام و ادیان مختلف بتوانند از رضایت نسبی در کشور برخوردار بوده و خود را بخشی از هویت ایران زمین بدانند و به خواست‌های تجزیه‌طلبانه به عنوان تنها راه حل متوسل نشوند.

در ایران، اقوام فارس، کرد، لر، عرب، ترکمن، ترک، گیلک، تالشی، مازنی، ارمنی، آسوری (آشوری)، بلوچ و سیستانی در کنار هم زندگی می‌کنند. بسیاری

از اقوام موجود در ایران در کشورهای دیگر بعضاً قوم اصلی هستند، همچون ترک‌ها، ارمنی‌ها، ترکمن‌ها و عرب‌ها و برخی دیگر بخشی از کشوری دیگر به‌شمار می‌روند؛ به‌مانند بلوچ، سیستانی، کرد، و تالشی. جمع‌کردن چنین گوناگونی از اقوام در یک سرزمین در خاورمیانه کار هیچ کشوری جز ایران نیست؛ همان‌گونه که در عهد باستان نیز چنین بوده است و درحالی که هر قومی زیر چتر دولت خود بودند، ایران تنها کشوری بود که اقوام گوناگون در آن زندگی می‌کردند. با برنامه‌ریزی حساب‌شده می‌شود، چه در کشورهای آسیای میانه چه در کشورهای اسلامی، با ارائه نظری و عملی از هم‌زیستی ادیان و اقوام مختلف در عصر جهانی‌شدن، هم بر هویت ملی صحنه‌گذاریم هم بر تکثر فرهنگی تأکید شود.

۲. نقش آمایش فرهنگی در تقسیمات کشوری و محرومیت‌زدایی

تجربه کشور ما در حد نسبی، نمونه‌ای موفق از تقسیمات کشوری را نشان می‌دهد. چراکه از یک‌سو، با تمام تنوع قومی، نژادی، تاریخی و فرهنگی‌ای که در آن دیده می‌شود، به تجزیه کشور منتهی نشده است و هم‌زمان در سال‌های اخیر با تقسیم کشور به استان‌هایی جدید براساس برخی از ملاحظات تنوعات قومی و منطقه‌ای را مدنظر قرار داده است، رضایت نسبی‌ای برای اقوام و جوامع منطقه‌ای به‌دنبال داشته، گرچه هرگز کافی نیست و تا شرایط ایدئال راه‌درازی در پیش است.

در این راه، باید تقسیمات کشوری علاوه بر محاسبات فوق، هم‌پیوندی، پراکندگی، هم‌زیستی و تعادل مردم مناطق مختلف را در تقسیمات آتی مدنظر قرار دهد. در کنار آن برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای را به برنامه‌های متمرکز کلان و سند چشم‌انداز بیفزاید، تا تعادلی مناسب بین مناطق مختلف کشور برقرار شود. همبستگی از طریق هم‌پیوندی و هم‌زیستی مناطق مختلف و انسجام

از طریق برقراری تعادل نسبی بین مناطق مختلف؛ به طوری که هریک از اقوام علاوه بر حفظ هویت بومی و محلی، خود را بخشی از هویتی بزرگ‌تر، یعنی هویت ایرانی حس کند.

از آن‌جا که تقسیمات کشوری متعادل، امکان بهره‌مندی بدون تبعیض همه اقوام و پیروان ادیان را در پهنه سرزمین فراهم می‌کند و عدالت‌محوری را در تخصیص همه منابع و امکانات تحقق می‌بخشد، می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. با توجه به کثرت اقوام مختلف در کشورمان و عدم توزیع منابع خدادادی در همه مناطق کشور، احتمال تمایلات تجزیه‌طلبانه می‌رفت، از این‌رو تقسیمات کشور با ملاحظاتی صورت گرفت. بدین معنا که تصور می‌رفت چون همه جاهای دنیا، استان‌ها و مناطقی که احساس کنند، بسیار ثروتمندتر از بقیه کشور هستند، از جدایی حمایت کرده و کشور را به مخاطره تجزیه می‌افکنند. اما اینک مطالعات نشان می‌دهد که نه تنها برخورداری، که محرومیت مناطق خاص از کشور نیز موجب تمایلات تجزیه‌طلبانه می‌شود، از این‌رو باید در راه محرومیت‌زدایی گام برداشت؛ به خصوص که در کشور ما این مناطق محروم اکثراً در حاشیه و مرزهای سرزمین‌مان قرار دارند و هم‌اینک نیز با برخی از درگیری‌های امنیتی در این مناطق روبه‌رویم. همان‌گونه که در بخش اقتصادی با سهام عدالت به سوی محرومیت‌زدایی حرکت می‌کنیم، نباید فقر و محرومیت را فقط در حوزه اقتصاد ببینیم و باید در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز به سوی عدالت‌محوری و محرومیت‌زدایی با طرح‌ها و برنامه‌هایی حساب‌شده گام برداریم.

۳. برنامه‌های آمایش فرهنگی سرزمین

ساختار کلی سازمان فضایی کشور از وجود عدم تعادل سرزمین در کشور حکایت دارد. حاشیه‌های زاگرس، دامنه‌های البرز، دشت‌های ساحلی و مرکزی

که دربرگیرنده کلان‌شهر تهران نیز است، براساس قابلیت‌های طبیعی (عوامل غیرارادی) و همچنین تحت تأثیر سیاست‌های دولت‌ها در گذشته مبنی بر ایجاد قطب‌های توسعه (عوامل ارادی)، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت و فعالیت‌ها را در خود جای داده است. تقریباً تمام شهرهای بزرگ و مجموعه‌های متراکم روستایی و بخش عمده‌ای از مراکز مهم تولید کشور در این محدوده قرار دارند که از این منظر اختلاف معناداری با بخش‌های شرقی کشور دارد.

اتخاذ راهبردهای ایجاد قطب‌های رشد و تخصیص منابع مالی بیشتر در گذشته موجب قطبی‌شدن سکونت‌گاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این مناطق و درنهایت تراکم بیشتر در این مناطق شده است. چندین قطب جمعیتی و صنعتی از جمله تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز بخش عمده‌ای از جمعیت و فعالیت‌ها را به خود جذب کرده و انباشتی از سرمایه‌گذاری‌های سابق همچنان باعث مهاجرت بیشتر و جذب جمعیت‌های سرگردان به این نواحی شده و همچنان این روند با شدت و ضعف‌هایی استمرار دارد که نتیجه آن عدم تعادل شدید و تفاوت در شاخص‌های توسعه این مناطق با سایر مناطق و کشور است. به‌ویژه توزیع جمعیت‌نشین به‌شدت نامتعادل است. تجمع و تمرکز جمعیت و استقرار صنایع مختلف در قطب‌های یادشده، به‌صورت مستمر جمعیت و امکانات را جذب کرده و به‌صورت مستمر حوزه خودشان را توسعه می‌دهند که پیامد آن تشدید نابرابری‌ها و عدم تعادل این مناطق با سایر مناطق است.

قابل توجه است که بسیاری از مناطق محروم کشور ما در جوار مرزهای ما قرار دارند. چنان شکافی هم می‌تواند به تضعیف هویت ملی منجر شود و هم امنیت کشور را به خطر اندازد، از این رو توجه به آن‌ها در اولویت قرار دارد. از طرفی، اگر مناطق محروم مرزی در جوار کشورهایی قرار داشته باشند که چه از طریق رسانه‌های این کشورها چه از طریق مسافرت‌های مختلف با آنان در

تعامل باشند، بخشی از نیازهای فرهنگی خود را از طریق آن‌ها برطرف می‌سازند. این وضع در مورد مناطق محروم ساحلی جنوب کشور ما صدق می‌کند. ولی مناطق محروم مرزی کشور هنگامی که در کنار کشوری قرار داشته باشند که از توان زایش فرهنگی امروزی برخوردار نیست، با وضعیت بحرانی تری روبه‌رویند. از این رو در اولویت توجه قرار می‌گیرند. آن شامل حال استان‌های غربی و شرقی کشور ما می‌شود. مناطق محروم هنگامی که در همسایگی خود با تمایلات تجزیه‌طلبانه روبه‌رویند، وضع بحرانی را نشان می‌دهند. بی‌شک اگر توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این مناطق ایران به‌گونه‌ای باشد که آنان خود را در وضعیتی مطلوب‌تر از اقوام خود در آن سوی مرزها ببینند، تمایلات تجزیه‌طلبانه رشد نخواهد یافت، چه به‌جای این‌که به چالشی جدی بدل شود. مناطق غربی ما از این بحران رنج می‌برند. همچنین در همهٔ استان‌هایی که نرخ بیکاری بالاست، اگر فرصت‌های اوقات فراغت جوانان برنامه‌ریزی نشود، رویکرد آنان به جایگزین‌هایی همچون مواد مخدر و مفاسد مختلف به‌دور از واقعیت نیست. خیل جوانان بیکار ظرفیت آن را فراهم می‌آورد تا از آنان برای کارهای داوطلبانه نیز استفاده شود. از نظر آسیب‌های اجتماعی نیز در استان‌هایی که آمار جرم و جنایات در آن‌ها بالاست، باید نه‌تنها افزایش امکانات فرهنگی، بلکه توجه به زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و تحولاتی در این حوزه، در اولویت برنامه‌های توسعهٔ این استان‌ها قرار گیرند. مناطق غربی و جنوب غربی ما از این ویژگی برخوردارند. اگر مجموعهٔ مناطق محروم از امکانات فرهنگی برخوردار از آسیب‌های اجتماعی عمیق و محروم از زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی را در کنار هم قرار دهیم، خواهیم دید که آن‌ها در مناطق غربی و جنوب غربی همپوشی خواهند داشت که «قطب محروم اجتماعی- فرهنگی» کشور را تشکیل می‌دهند.

استان‌های لرستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان، بوشهر و

کهگیلویه و بویراحمد از محرومیتی فراتر از استان برخوردار بوده و درحقیقت قطب محروم اجتماعی و فرهنگی کشور را در این منطقه تشکیل می‌دهند. این در حالی است که اکثر همین استان‌ها، بیشترین ثروت ملی ما یعنی نفت و گاز را در خود جای داده‌اند و اگر محرومیت‌شان ادامه یابد، در بلندمدت به سوی راه‌حل‌هایی سوق خواهند یافت، که به نفع حفظ تمامیت ارضی کشور نیست. آن‌چه باید با نگاه آمایشی مدنظر قرار گیرد. مقوله فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی است، چراکه برنامه‌های فرهنگی در یک نگاه کل‌نگر زیرساخت توسعه هر کشور است. استفاده نادرست از بخشی از سرزمین، بهره‌برداری بی‌رویه و بارگذاری بیش از ظرفیت تحمل سرزمین بدون توجه به قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های سرزمین باعث شده است تا از یک سو فشار مضاعفی بر سرزمین و محیط زیست تحمیل شود و از سوی دیگر موجب تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها در بخش‌ها و مناطق خاص و در انزوا و حاشیه قرارگرفتن سایر مناطق شده است. به همین علت موضوع آمایش سرزمین برای بازتوزیع جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین و همچنین کاهش فشارهای واردشده به محیط زیست در چارچوب علم آمایش در کانون توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه قرارگرفته و بر این اساس رویکرد متعدد در چارچوب علم آمایش بسط و توسعه یافته است (شاپورآبادی، ۱۳۸۵: ۶).

جمهوری اسلامی ایران نیز در خلال چند دهه گذشته همواره در جست‌وجوی سازوکارهایی برای سامان‌دهی به سازمان فضایی کشور به تناسب قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های کشور در چارچوب طرح‌های آمایش بوده است تا بتوان بر مبنای آن‌ها بسیاری از مناطق کشور را که در انزوا قرار گرفته و از مواهب توسعه کشور بهره‌چندانی نبرده‌اند، به سطح معقولی از توسعه متناسب با سایر مناطق برسانند. لیکن به دلایل مختلف این مهم محقق نشده است و کماکان بخش‌های زیادی از مناطق کشور علی‌رغم قابلیت‌هایی از سطح توسعه‌نیافتگی بیشتری

در مقایسه با سایر کشورها رنج می‌برند. متأسفانه وابستگی کشور به منابع نفتی در بروز عدم تعادل‌ها در کنار عوامل طبیعی نقش داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، از اوایل دهه ۱۳۵۰ش نفت و توسعه در پهنه سرزمین ایران پیوند تنگاتنگی یافته‌اند و با افزایش قیمت آن طی برخی سال‌ها تشدید شده است. به‌همین دلیل وابستگی نوسانات قیمت نفت رونق و رکود آن بر چگونگی روند توسعه ملی تأثیر گذاشته و توسعه کشور به‌شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته است. این الگوی توسعه وابسته به درآمدهای نفتی علاوه بر عدم تناسب با واقعیات جامعه ایران، ظرفیتی کاذب و به‌دور از نیازها و توانایی‌های اجتماعی را باعث شد که بازتاب آن را به‌صورت رشد ناموزون سکونت‌گاهی انسانی و تمرکز فعالیت‌ها در مناطق مختلف کشور به‌ویژه کلان‌شهر تهران می‌توان مشاهده کرد، به‌طوری‌که توسعه دیگر مناطق نیز در پیوند و ارتباط با این مفهوم ارتباط یافته است. پس از قریب به هفت دهه برنامه‌ریزی در کشور هنوز عدم تعادل‌های بسیاری شدیدی در پهنه کشور مشاهده شده و هنوز هم بسیاری از قابلیت‌ها و استعداد‌های انکارناپذیر آن‌ها، شناخته نشده است (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۵).

بررسی رویکردهای توسعه منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران حاکی از این است که مدلی که برای تعادل‌بخشی و ایجاد توازن منطقه‌ای در کشور به اجرا درآمده بودند، عمدتاً برگرفته از رویکردهای برنامه‌ای توسعه منطقه‌ای متداول در جهان از جمله نظریه قطب رشد و توسعه نقطه‌ها و لکه‌های دارای قابلیت استوار بودند. برپایه چنین رویکردی شکل‌گیری فعالیت‌ها و اقدامات توسعه در پهنه کشور از یک‌سو برخاسته از ضرورت و نیاز دست‌یابی به یک هدف ملی بود و از سوی دیگر به‌جای آن‌که قابلیت‌ها و فرصت‌های توسعه درون‌زا را در منطقه تقویت و مورد استفاده قرار دهد، عمدتاً در چارچوب سیاست‌ها و هدف‌های کلان پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه ملی با تأکید

صرف بر رشد اقتصادی و شبکه‌های زیربنایی در بخش‌های خاصی از کشور بود که به‌صورت لکه‌های متمرکز و قطبی آمار بسیار پراکنده و ناموزون خود را نمایان ساخت. بازتاب این رویکرد به‌صورت تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی و سرزمینی ناشی از آن نمایان شد و تفاوت‌های فاحش بین تهران و دیگر شهرهای بزرگ و شهرهای متوسط کوچک و به‌طور کلی بین جوامع شهری و روستایی را پدید آورد (رهنمودها و تدابیر آمایش برای برنامه ششم توسعه کشور، ۱۳۹۵: ۱۹).

۴. آمایش فرهنگی در اسناد بالادستی

هرگونه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و سیاست‌گذاری در این خصوص باید در راستای سیاست، اهداف و برنامه‌های دولت قرارگیرد. جهت مشخص شدن سهم وزارتخانه در توسعه فرهنگ کشور بخش‌هایی از اسناد بالادستی که در آن‌ها سخنی در زمینه فرهنگ به میان آمده است بررسی شود. این اسناد در درجه اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بخش‌های مربوط به فرهنگ آن است. سند چشم‌انداز و بسته اجرایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال فصل‌هایی از قانون اساسی، که در آن‌ها بیشتر از سایر بخش‌ها به موضوعات فرهنگی اشاره شده است، عبارتند از: فصل اول (اصول کلی)، فصل دوم (زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور)، اصل‌های اول تا سی‌ام، فصل سوم (حقوق ملت) شامل اصل‌های بیستم، بیست‌ویکم، بیست‌وسوم، بیست‌وچهارم و سی‌ام و فصل پنجم (حق حاکمیت ملت و فتوای ناشی از آن) اصل‌های پنجاه‌وششم، یکصد و پانزدهم، یکصد و پنجاه و چهارم و یکصد و هفتاد و پنجم (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

فرهنگ، در سند چشم‌انداز کشور یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که به آن اشاره شده است. تا آن‌جا که توسعه‌یافتگی در افق ۱۴۰۴ مبتنی بر

ستون‌هایی است از جمله مواردی که در بخش فرهنگی این سند بر آن تأکید شده است عبارتند از: اعتلا، تعمیق و گسترش معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت(ع)؛ استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل؛ تقویت فضائل اخلاقی و ایمان، همچنین روحیهٔ ایثار و امید به آینده؛ برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی؛ زنده نگاه‌داشتن اندیشهٔ دینی و سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و برجسته‌کردن تأثیر آن به‌عنوان معیارهای اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها؛ تقویت وجدان کاری، انضباط اجتماعی، روحیهٔ کار و ابتکار، درست‌کاری و قناعت، کارآفرینی و اهتمام به ارتقای کیفیت تولید؛ فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات؛ سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی و فضائل اخلاقی و اهتمام به امر معروف و نهی از منکر؛ مقابله با تهاجم فرهنگی و گسترش فعالیت رسانه‌های ملی در جهت تبیین اهداف و دستاوردهای ایران اسلامی برای جهانیان (سند چشم‌انداز بیست‌سالهٔ جمهوری اسلامی ایران).

با تحقق برنامه‌های پیش‌رو، چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ را می‌توان چنین پیش‌بینی کرد: ایران کشوری با هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی، بر مسیر رسیدن به جامعهٔ عدالت‌گستر مهدوی(عج)، پیشتاز در اخلاق و رفتار حسنه، دارای جایگاه نخست در عرصه‌های فرهنگ و هنر، تعلیم و تربیت، علم و فناوری و اطلاعات، ارتباطات و رسانه در سطح منطقه و جهان اسلام، الهام‌بخش امت اسلامی و مستضعفان با تعامل فرهنگی مؤثر و سازنده در سطح جهانی، دست‌یافته به نظام فراگیر کارآمد و منسجم فرهنگی و هدایت‌گر تمام شئون و نظامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه.

بستهٔ اجرایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسهٔ ۱۳۹۱/۱۱/۱۹ هیئت وزیران بنا به پیشنهاد وزارتخانهٔ متبوع و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و به‌استناد مادهٔ (۲۱۷) قانون برنامهٔ پنج‌ساله

پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ تصویب شد. در این بسته که به استناد اسناد بالادستی به‌ویژه ابعاد مربوط به فرهنگ در سند چشم‌انداز کشور تهیه شده است، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در امور فرهنگی و همچنین اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شرح داده شده است. این اهداف به‌اختصار عبارتند از: فعالیت برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا؛ فعالیت در جهت استقلال فرهنگی و مصون‌ساختن جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب؛ اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف؛ کوشش برای شکوفایی استعدادها، و احیای روحیه تحقیق و تتبع و ابتکار؛ رواج فرهنگ و هنر اسلامی؛ آگاهی‌دادن جهانیان نسبت به مبانی و اهداف انقلاب اسلامی؛ گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف، به‌خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان؛ و فراهم‌ساختن زمینه‌های وحدت میان مسلمین.

۵. وزارخانه‌ها و سازمان‌های موازی در حوزه‌های کاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران تاکنون نهادهای فرهنگی بسیاری برای انجام‌دادن امور مختلف به‌وجود آمده‌اند. اغلب این نهادها از آن زمان تاکنون به انجام‌دادن امور خود مشغولند و تعداد آن‌ها هر ساله افزایش می‌یابد. هر کدام از این نهادها در زمینه‌های مختلف فرهنگی به فعالیت مشغول هستند، به‌گونه‌ای که در بسیاری از آن‌ها کارهای زیادی به‌صورت موازی صرف می‌شود. با توجه به این‌که وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هریک از حوزه‌های کاری فرهنگ و هنر صرفاً حمایت، نظارت و هدایت نهادهای فرهنگی است سازمان‌هایی نیز وجود دارند که متولی حوزه فرهنگ و هنر هستند و همین امر نیز موجب به‌وجودآمدن فرصت‌ها و تهدیدهایی برای این وزارخانه شده است.

جدول ۲. زمینه‌های مشترک وزار تخانه‌ها و سازمان‌های دیگر با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ردیف	نام سازمان	زمینه اشتراک فعالیت
۱	وزارت آموزش و پرورش	قرآن، نمایش، چاپ و نشر، فرهنگ عمومی، آموزش هنری، هنرهای تجسمی، موسیقی، مطبوعات آموزشی، فضای مجازی، آموزشگاه هنری
۲	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	قرآن، آموزشگاه هنری، دانشگاه هنرهای زیبا، سینما، نمایش، موسیقی، چاپ و نشر، فرهنگ عمومی، فضای مجازی
۳	وزارت ورزش و جوانان	فرهنگ عمومی
۴	سازمان فنی و حرفه‌ای	قرآن، سینما، هنرهای تجسمی، آموزش مهارت‌های هنری
۵	بنیاد شهید	سینما، چاپ و نشر، مطبوعات، فضای مجازی
۶	سازمان بهزیستی	فرهنگ عمومی، فضای مجازی
۷	سازمان تبلیغات اسلامی	قرآن، چاپ و نشر، موسیقی، نمایش، هنرهای تجسمی، فرهنگ عمومی، فضای مجازی
۸	سازمان صداوسیما	سینما، نمایش، موسیقی، فرهنگ عمومی، فضای مجازی
۹	دانشگاه آزاد اسلامی	قرآن، فرهنگ عمومی، نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی، فضای مجازی
۱۰	دانشگاه پیام نور	قرآن، فرهنگ عمومی، نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی، فضای مجازی
۱۱	دانشگاه صداوسیما	نمایش، موسیقی، فضای مجازی
۱۲	سازمان میراث فرهنگی	فرهنگ عمومی
۱۳	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	قرآن، چاپ و نشر، مطبوعات، فرهنگ عمومی
۱۴	سازمان عقیدتی سیاسی سپاه	قرآن، چاپ و نشر، مطبوعات، فرهنگ عمومی
۱۵	سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی	قرآن، چاپ و نشر، مطبوعات، فرهنگ عمومی
۱۶	ستاد اقامه نماز	قرآن
۱۷	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	فرهنگ عمومی، نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی، فضای مجازی، چاپ و نشر، سینما
۱۸	کمیته امداد امام خمینی	فرهنگ عمومی
۱۹	سازمان فرهنگی و هنری شهرداری	قرآن، نمایش، چاپ و نشر، فرهنگ عمومی، آموزش هنری، هنرهای تجسمی، موسیقی، فضای مجازی
۲۰	حوزه علمیه	قرآن، چاپ و نشر، مطبوعات، فرهنگ عمومی

۶. دستگاه‌های فرهنگی در قانون بودجه سالیانه کشور

دستگاه‌های فرهنگی که در قانون بودجه سالیانه کشور بودجه فرهنگی دریافت می‌نمایند عبارتند از: ۶۷ دستگاه به شرح ذیل. ۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۲. نهاد ریاست جمهوری و هیئت دولت (کمیسیون فرهنگی)؛ ۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۴. مجلس شورای اسلامی؛ ۵. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۶. شورای روابط خارجی؛ ۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ ۸. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی؛ ۹. سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۰. شورای سیاست‌گذاری صداوسیما؛ ۱۱. شورای عالی آموزش و پرورش؛ ۱۲. سازمان ملی جوانان؛ ۱۳. شورای عالی جوانان؛ ۱۴. مرکز امور زنان و خانواده (ریاست جمهور)؛ ۱۵. بنیاد نخبگان؛ ۱۶. شورای فرهنگی و اجتماعی زنان؛ ۱۷. شورای فرهنگ عمومی؛ ۱۸. دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۹. نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه؛ ۲۰. وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۱. سازمان فرهنگی هنری شهرداری؛ ۲۲. مرکز حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس؛ ۲۳. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه؛ ۲۴. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ ۲۵. سازمان صداوسیما؛ ۲۶. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ ۲۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)؛ ۲۸. مرکز رسیدگی به امور مساجد؛ ۲۹. شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه؛ ۳۰. شورای عالی حج؛ ۳۱. نهاد نمایندگی ولی فقیه در حج؛ ۳۲. ستاد امر به معروف و نهی از منکر؛ ۳۳. مجمع تقریب مذاهب؛ ۳۴. شورای عالی اطلاع‌رسانی؛ ۳۵. وزارت مسکن و شهرسازی؛ ۳۶. شورای راهبردی توسعه فرهنگ نماز؛ ۳۷. ستاد اقامه نماز؛ ۳۸. آستان‌های مقدسه؛ ۳۹. هیئت عالی گزینش؛ ۴۰. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۴۱. شورای علوم، تحقیقات و فناوری؛ ۴۲. شورای ارزشیابی هنرمندان؛ ۴۳. شورای عالی شهرسازی و معماری؛ ۴۴. شورای پژوهشی‌های علمی کشور؛ ۴۵. شورای عالی ایران‌گردی و جهانگردی؛ ۴۶. شورای سازمان تربیت بدنی؛ ۴۷. سازمان حج و زیارت؛ ۴۸. سازمان مدارس خارج از کشور؛ ۴۹.

مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ ۵۰. فرهنگستان هنر؛ ۵۱. فرهنگستان علوم؛ ۵۲. فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۵۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی؛ ۵۴. ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ ۵۵. سازمان اوقاف و امور خیریه؛ ۵۶. مرکز جهانی علوم اسلامی؛ ۵۷. کمیته امداد امام خمینی؛ ۵۸. شورای سازمان میراث فرهنگی؛ ۵۹. سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛ ۶۰. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ ۶۱. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی؛ ۶۲. اتحادیه انجمن‌های اسلامی؛ ۶۳. نهضت سوادآموزی؛ ۶۴. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها؛ ۶۵. سازمان جهاد دانشگاهی؛ ۶۶. سازمان عقیدتی سیاسی ناجا؛ ۶۷. سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.

۷. راهبردهای بلندمدت توسعه بخش فرهنگ و هنر از منظر آمایش سرزمین
دفتر امور آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه برنامه پیشنهادی غیرمصوبی را برای توسعه بخش فرهنگ و هنر از منظر آمایش سرزمین پیشنهاد کرده است که هنوز تصویب و ابلاغ نشده است. در این برنامه: برای پیشبرد سیاست‌های کلی آمایش سرزمین و با رعایت اصول مصوب آمایش سرزمین از جمله گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، افزایش کارآیی و بازدهی اقتصادی، حفاظت محیط زیست، صیانت از منابع طبیعی و رعایت ملاحظات دفاعی، امنیتی و پدافند غیرعامل، راهبردهای بلندمدت توسعه بخش فرهنگ و هنر از منظر آمایش سرزمین عبارتند از:

۱. اعتلا، ترویج و تعمیق ارزش‌ها و باورهای دینی و اخلاقی برای حفظ هویت اسلامی - ایرانی از طریق: تبیین و ترویج معارف اسلامی و مقابله با خرافات و موهومات و پژوهش در زمینه چگونگی اعتلای مبانی اخلاقی و دینی و همچنین حاکمیت اخلاق اسلامی بر مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی؛
۲. بهبود و اصلاح فرهنگ عمومی از طریق: مطالعه و پژوهش در زمینه روش‌های

ترویج اخلاق اجتماعی با استفاده از دستاوردهای علمی و تحقق ارزش‌های اسلامی در اخلاق و رفتار و بازشناسی و بازتولید میراث، سنن و آداب و رسوم ملی و منطقه‌ای در زندگی مردم؛

۳. سیاست‌گذاری برای آموزش اخلاق فردی و اجتماعی و ارائه الگوهای مناسب رفتاری به جامعه به‌ویژه جوانان و با استفاده از رسانه‌های جمعی و نظام‌های آموزشی و تربیتی کشور؛

۴. رونق‌بخشیدن به اقتصاد فرهنگ از طریق: بهبود کیفیت کالاها و خدمات فرهنگی و رفع موانع انحصاری و افزایش رقابت‌پذیری و اصلاح و توسعه الگوهای تجارت کالاها و خدمات فرهنگی و هنری و همچنین پایین آوردن خطر سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ و هنر؛

۵. ارتقا و بسط مشارکت عمومی در فعالیتهای فرهنگی از طریق: تقویت تشکلهای و نهادهای صنفی و حرفه‌ای غیردولتی و بازرگری و اصلاح قوانین و مقررات و همچنین ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و مشارکت آن در مدیریت مراکز فرهنگی؛

۶. فراهم‌آوردن زمینه دسترسی همگان به فضاها، خدمات و محصولات فرهنگی از طریق: افزایش تولید و ارتقای کیفیت محصولات فرهنگی و هنری و توزیع عادلانه فضاها و تجهیزات فرهنگی و هنری و همچنین سامان‌دهی و هدفمندسازی نظام توزیع و حمایتی در بخش فرهنگ؛

۷. تقویت زبان فارسی در درون کشور و کوشش برای گسترش آن در منطقه و جهان از طریق: حمایت از استانداردسازی زبان و خط فارسی به‌عنوان زبان ملی جمهوری اسلامی ایران و کوشش برای ارتقای آموزش زبان فارسی در همه سطوح تحصیلی با تأکید بیشتر بر جنبه کاربردی زبان و همچنین حمایت از پژوهش‌های علمی و بین‌رشته‌ای در زمینه ایران‌شناسی در داخل و خارج از کشور؛

۸. تشویق و حمایت از حفظ و توسعه زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی در نقاط

مختلف کشور از طریق: حمایت از پژوهش‌های کاربردی برای بازشناسی و حفظ و تقویت فرهنگ، آداب و رسوم و سنن اقوام، عشایر و جوامع روستایی و اهتمام به هنرهای ملی و فرهنگ عامه و تشویق و حمایت از کاربرد نمادها، نشانه‌ها و آثار فرهنگی و هنری ایرانی و اسلامی در معماری، سیمای شهری و تولید محصولات و همچنین تشویق و حمایت از حفظ و توسعه هنرها، فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی و محلی در نقاط مختلف کشور؛

۹. توسعه و گسترش مناسبات و مبادلات فرهنگی و هنری در سطح جهان به‌منظور معرفی جلوه‌های فرهنگی، هنری و ادبی ایران به جهان و همین‌طور آشناساختن مردم ایران با آثار ارزشمند فرهنگی و هنری جهان از طریق: تسهیل حضور تولیدکنندگان محصولات فرهنگی و هنری در بازارهای جهانی و همچنین اصلاح شیوه‌های تولید برای اقتصادی‌شدن تولیدات فرهنگی و هنری. ۱۰. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش فرهنگ و هنر از طریق: حمایت از گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی در محیط‌های رایانه‌ای و تهیه انواع بانک‌های اطلاعاتی در دسترس برای بخش فرهنگ و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید و عرضه آثار و محصولات فرهنگی و هنری؛

۱۱. فراهم‌ساختن فرصت‌های عادلانه و مناسب برای دسترسی همه اقشار مردم به مراکز و فضاهای فرهنگی و هنری؛

۱۲. طراحی راهکارها و استانداردهای مناسب برای تقسیم بهینه و متناسب فضاهای فرهنگی و هنری با توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و جمعیتی هر منطقه؛

۱۳. فراهم‌ساختن شرایط استفاده‌عموم مردم از مراکز و فضاهای فرهنگی و هنری در اختیار نهادهای دولتی و عمومی برای تأمین نیازهای مردم و به‌ویژه نسل جوان کشور؛

۱۴. تعیین، تصویب، و اجرای استانداردهای سرانه‌های بهره‌مندی فضاهای

فرهنگی و هنری به تفکیک روستاها، شهرهای کوچک، شهرهای متوسط، مراکز استان‌ها، شهرهای گردشگری، شهرهای فرهنگی تاریخی و مراکز بین‌المللی. ۱۵. بازسازی و ساخت سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و تالارهای نمایش در شهرهای بیش از ۱۵ هزار نفر جمعیت؛

۱۶. پی‌ریزی توسعه منطقه‌ای بر مبنای ویژگی‌های بومی و فرهنگ خاص هر منطقه.

راهبردهای بلندمدت توسعه بخش فرهنگ و هنر از منظر آمایش سرزمین

پی‌ریزی توسعه منطقه‌ای بر مبنای ویژگی‌های بومی و فرهنگ خاص هر منطقه



بازسازی و ساخت سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و تالارهای نمایش



اجرای استانداردهای سرانه‌های بهره‌مندی فضاهای فرهنگی و هنری



استفاده عموم مردم از مراکز و فضاهای فرهنگی



توازن مناسب فضاهای فرهنگی در کشور



فراهم آوردن فرصت برابر برای استفاده همگان از فضای فرهنگی



توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش فرهنگ



توسعه و گسترش مناسبات و مبادلات فرهنگی و هنری در سطح جهان



ارتقا و بسط مشارکت عمومی در فعالیت‌های فرهنگی

فصل سوم

آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

گفتار اول: مأموریت آمایش سرزمین در وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی

گفتار دوم: شاخص‌های توسعه‌یافتگی در آمایش

سرزمین

گفتار اول: مأموریت آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مجموعه سؤال‌هایی که برای تعیین مأموریت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آمایش فرهنگی مطرح است، عبارتند از:

۱. این وزارتخانه چه خدماتی را عرضه می‌کند؟
۲. مخاطبان این سازمان چه کسانی هستند؟
۳. محدودهٔ جغرافیایی فعالیت‌ها کجاست؟
۴. باورها و ارزش‌های حاکم بر این وزارتخانه چیست؟
۵. این وزارتخانه نسبت به رقبای خود از چه مزیت رقابتی برخوردار است؟
۶. این وزارتخانه تا چه میزان به رشد و بقای خود اهمیت می‌دهد؟
۷. با توجه به قوانین و موارد مندرج در اسناد بالادستی و نیز ارزش‌های سازمانی رویکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در انجام‌دادن وظایف خویش در حوزهٔ آمایش سرزمین چگونه است؟

۱. پست‌های سازمانی آمایش سرزمین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

طی مصوبهٔ شمارهٔ ۲۱۲/۹۱/۴۵۶۶۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۸ همزمان با ارائهٔ ساختار جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور سه پست کارشناس مطالعات و برنامه‌ریزی آمایش

سرزمین زیرمجموعه دفتر برنامه و بودجه معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعریف و ابلاغ شد. وظایفی که برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این پست‌ها در نظر گرفته شده عبارتند از:

- مطالعه و پژوهش در زمینه طرح‌های آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، زیرساخت‌ها و طرح‌های توسعه؛ اتخاذ تدابیر لازم برای اجرای طرح‌های پژوهشی در زمینه موضوعات آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛ بررسی و اظهار نظر درباره سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، استراتژیک و بین‌المللی و تدوین و تنظیم آن؛

- تهیه طرح‌های مطالعاتی جامع، بنیادی و کاربردی درباره آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، استراتژیک و بین‌المللی و نظارت بر اجرای آن‌ها؛ همکاری و حمایت از فعالیت‌های پژوهشی واحدهای استانی از طریق بررسی و تأیید طرح‌های پیشنهادی پژوهشی و نظارت بر اجرای آن‌ها؛ تهیه و به‌هنگام‌سازی بانک اطلاعاتی از متخصصان و پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، استراتژیک و بین‌المللی، خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها؛ تدوین اولویت‌های پژوهشی در امور آمایش و محیط زیست؛ بررسی و نظارت بر طرح‌های آمایش؛ اولویت فضاها و محورهای توسعه کشور براساس نتایج طرح آمایش برنامه‌ریزی در زمینه طرح‌های آمایش سرزمین، زیرساخت‌ها و طرح‌های توسعه؛

شناسایی، بررسی و تدوین راهکارهای مناسب برای مسائل آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، استراتژیک و بین‌المللی؛ بررسی راهکار و ارائه پیشنهاد درخصوص چارچوب و خطوط کلی ناظر بر برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت در راستای نظام برنامه‌ریزی کشور و طرح آمایش تنظیم اولویت فضاها و محورهای توسعه کشور براساس نتایج طرح آمایش ملی و استانی (شرح وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۵: ۲۸).

۲. فضاهای فرهنگی مشترک سازمان‌های مختلف با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به نوع فعالیت و مأموریت‌هایش با تعدادی از دستگاه‌های فرهنگی اشتراکاتی دارد. در جدول ذیل نام دستگاه‌ها و نوع کاربری فضای اشتراکی و فضاهای فرهنگی و هنری موجود در کشور مشخص شده است. اگر نگاهی به مراکز فرهنگی و هنری سطح کشور داشته باشیم و آمار ارقام وزارت مزبور را از نظر فضاهای فرهنگی در سطح کشور بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که سرانۀ فضاهای فرهنگی نسبت به جمعیت در وزارت فوق بسیار پایین است. ولی این در حالی است که بسیاری از دستگاه‌های فرهنگی دارای مکان‌های مشابه با کاربری فرهنگی هستند. لذا شناخت امکانات فرهنگی هر ناحیه در آمایش سرزمین فرهنگی کمک می‌نماید تا امکانات هر منطقه به صورت شفاف مشخص شود. برای مثال در بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها کتابخانه، سالن چندمنظوره و... موجود است که فقط به صورت اختصاصی دانشجویان و دانش‌آموزان از آن استفاده می‌کنند. از آن‌جا که کاربرد فضاهای فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کاربری عمومی است و تمام افراد جامعه می‌توانند از آن استفاده کنند، گسترش این فضاها برای عموم از اولویت برخوردار است و سیاست‌گذاری برای استفادهٔ عموم از مراکز فرهنگی و هنری.

جدول ۳. فضاهای فرهنگی مشترک سازمان‌های مختلف با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ردیف	نام دستگاه	نوع کاربری	فضاهای فرهنگی و هنری
۱	وزارت آموزش و پرورش	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۲	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۴	مراکز فنی و حرفه‌ای	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۶	سازمان بهزیستی	اختصاصی	سالن نمایش
۷	سازمان تبلیغات اسلامی	عمومی	سالن نمایش، سینما، تالار هنری، فرهنگسرا و مجتمع فرهنگی و هنری
۹	دانشگاه آزاد اسلامی	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۱۰	دانشگاه پیام نور	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۱۲	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۱۳	سازمان عقیدتی سیاسی سپاه	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۱۴	سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی	اختصاصی	سالن نمایش، کتابخانه
۱۵	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	عمومی	سالن نمایش، سینما، کتابخانه
۱۶	سازمان فرهنگ و هنری شهرداری	عمومی	سالن نمایش، سینما، تالار هنری، فرهنگسرا و مجتمع فرهنگی و هنری، کتابخانه

گفتار دوم: شاخص‌های توسعه‌یافتگی در آمایش سرزمین

۱. شاخص‌های فرهنگی در سند تفضیلی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی

شاخص‌ها ترکیبی از نشانه‌ها، علائم و نمادهایی هستند که به‌طور خاص برای اندازه‌گیری وضع موجود یک پدیده و نیز تغییرات آن به کار می‌روند. شاخص‌ها، وسیله و ابزار باارزش و برجسته‌ای‌اند که با کمک آن‌ها می‌توان اطلاعات بی‌شمار درباره یک پدیده را دسته‌بندی کرده و در قالبی سازمان‌یافته درآورد. شاخص‌ها کمک می‌کنند که تحولات پدیده‌های موردنظر در هر حوزه‌ای با سرعت و دقت بیشتری بررسی و ارزیابی شوند. شاخص‌ها علامت مشخص‌کننده و ملاکی برای نمایان کردن تغییر و تحولات پدیده موردنظرند.

برای ارزیابی موفقیت در اجرای یک سیاست خاص، باید شاخص‌هایی اختصاصی و متناسب با رویکرد و محورهای حاکم بر این سیاست‌ها طراحی شود. شاخص‌های ارزیابی برای اندازه‌گیری و ارزیابی یک وضعیت یا موقعیت یک پدیده یا متغیر مورد استفاده قرار می‌گیرند. شاخص‌های ارزیابی توسعه آن دسته از شاخص‌های ارزیابی‌اند که به‌طور خاص بر موضوع توسعه و پیشرفت متمرکز شده و عملکرد پیشرفت کشور را از نظر میزان نزدیکی و دوری عملکرد با معیارهای مطلوب توسعه و اصول ارزیابی می‌کنند. در سند تفضیلی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹) حوزه بخشی ۲ در قسمت فرهنگ و هنر شاخص‌های ذیل به‌عنوان شاخص‌های توسعه در بخش فرهنگ و هنر ذکر شده است. در مبحث آمایش سرزمین رسیدن به مطلوبیت و فراوانی موردنظر درباره هر یک از شاخص‌های فوق هدف غایی برنامه ششم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است (سیف‌الدین امیرعلی، ۱۳۹۲: ۳۷۱).

۲. شاخص‌های توسعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه ششم

توسعه

در سند تفضیلی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹) حوزه بخشی ۲، صفحات ۱۴۶-۱۶۲ شاخص‌های توسعه فرهنگی به شرح ذیل آورده شده است. قابل ذکر است برای وزارتخانه متبوع تنها شاخص‌های توسعه افزایش موارد ذیل در نظر گرفته شده است و سایر فعالیت‌ها در شاخص توسعه نقشی ندارند. لذا در تهیه برنامه‌های آمایش سرزمین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به شاخص‌های ذیل توجه کافی داشت.

جدول ۴. شاخص‌های حوزه‌های مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آمایش سرزمین

ردیف	حوزه	واحد	زمینه فعالیت
۱	سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی	بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای	تولید و تأمین بازی‌های رایانه‌ای
		نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور	کتابخانه عمومی
		ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد	کانون فرهنگی و هنری مساجد
		سازمان اوقاف و امور خیریه	ادارات کل اداره اوقاف و امور خیریه بقاع متبرکه
		سازمان حج و زیارت	ادارات کل حج و زیارت
		سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی	دفاتر خبرگزاری
		سازمان امور سینمایی و سمعی و بصری	سینما پردیس سینمایی آموزشگاه آزاد سینمایی مؤسسه تولید فیلم‌های غیرسینمایی و ویدیویی استودیو سینمایی مؤسسه ویدئورسانه
		مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی فرهنگ و هنر	آموزش دوره‌های هنری
		پدافند غیرعامل	حفظ فضاهای فرهنگی در مقابل حملات نظامی دشمن
		دبیرخانه هیئت رسیدگی به امور مراکز فرهنگی	مؤسسات فرهنگی و هنری تک و چندمنظوره
		ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد	کانون فرهنگی و هنری مسجد کتابخانه عمومی مسجد
		مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال	مؤسسه فرهنگی دیجیتال

ردیف	حوزه	واحد	زمینه فعالیت
۲	معاونت قرآن و عترت		مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت
۳	معاونت امور فرهنگی	معاونت امور فرهنگی	نمایشگاه دائمی فرهنگی چاپخانه
۴	معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی	اداره کل رسانه‌های خارجی	مؤسسات ارائه خدمات به نمایندگان رسانه‌های خارجی دفتر رسمی رسانه‌های خارجی دفتر نمایندگی رسانه‌های خارجی
		اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی و پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی	دکته‌های فروش مطبوعات خبرگزاری غیردولتی مرکز توزیع نشریات دفتر نشریه محلی
		دفتر تبلیغات و اطلاع رسانی	کانون‌های آگهی و تبلیغاتی
		دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها	آموزشگاه آزاد روزنامه‌نگاری و گرافیک مطبوعاتی
۵	معاونت امور هنری	دفتر هنرهای تجسمی	نگارخانه موزه هنرهای معاصر
		دفتر امور موسیقی	سالن اجرای موسیقی استودیو موسیقی
		اداره کل هنرهای نمایشی	سالن اجرای نمایش
		دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری	آموزشگاه آزاد هنری - موسیقی آموزشگاه آزاد هنری - تجسمی - نمایش

۳. سامانه ساترا

گام پایانی نظام ملی شاخص‌های توسعه طراحی و پیاده‌سازی سامانه ارزیابی توسعه و رصد آمایش ساتراست. در کل این سامانه یک ژئوپرتال متن باز با تمام قابلیت‌های یک پورتال برای گردآوری، تولید، تصحیح، طبقه‌بندی، تحلیل و نمایش همه نوع اطلاعات جغرافیایی، جدولی، محتوایی، تصاویر ماهواره‌ای و اطلاعات چندرسانه‌ای است. دارای قابلیت افزودن و تصحیح لایه‌های اطلاعات جغرافیایی، کارتوگرافی توسط کاربر تهیه نقشه‌های موضوعی و تحلیلی نمایش و جست‌وجو در جداول آماری، نمایش تصاویر ماهواره‌ای و لایه‌های اطلاعاتی از سرورهای داخلی و خارجی با قابلیت تهیه همزمان پشتیبان از آن‌ها برای حالت آفلاین است.

هدف از طراحی این سامانه قرار گرفتن تمام اطلاعات کشور در یک نرم‌افزار با امکان گزارش‌گیری‌های مختلف بود. برای مثال در یک شهر در خیابان موردنظر به خوبی همه امکانات فرهنگی هنری دستگاه‌های مختلف در کنار یکدیگر قرار خواهد گرفت و تمام امکانات کشور با تحلیل‌های مختلف به برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا در مکان‌یابی بسیاری از فعالیت‌ها دقیق‌تر عمل کنند، ولی با توجه به گذشت چندسال از اجرای پروژه فوق هنوز این هدف محقق نشده است. از موانع عمده سامانه ملی ساترا عدم وجود سند ملی توسعه و سند ملی آمایش سرزمین است.

جدول شماره ۵. تکالیف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قوانین و مقررات ابلاغی آمایش سرزمین

	چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴	ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.	عدالت در توزیع امکانات	به‌صورت خاص ندارد
۲	ضوابط ملی آمایش سرزمین تصویب نامه هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۳٫۸۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱،۱۳۴۱۰۸ مورخ ۱۳۸۳٫۷٫۲۵ سازمان برنامه و بودجه	جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین که در راستای تبیین فضایی سند چشم‌انداز ج ۱۱ گسترش عدالت اجتماعی و تعادل منطقه‌ای، حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور، رفع محرومیت‌ها، به‌خصوص در مناطق روستایی کشور، کاهش تمرکز و تراکم جمعیت - تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی استان‌ها، گسترش تعامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی درون و بین منطقه‌ای برای تقویت همبستگی ملی	تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی استان‌ها و مناطق کشور - تأکید بر حفظ و پویایی هویت ایرانی - اسلامی در تعامل با برون‌نگری و اتکا بر این هویت برای تحکیم و انسجام وحدت ملی در ابعاد درونی - بند ۳۱ ارتقای جایگاه صنعت گردشگری در اقتصاد ملی، از طریق استفاده از ظرفیت‌های: طبیعی، تاریخی و میراث فرهنگی کشور و گسترش و تسهیل ارتباطات بین مناطق، به‌منظور تقویت پیوند بین اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها و همچنین، گسترش تعاملات فرهنگی فراملی	به‌صورت خاص ندارد
۳	مواد الحاقی اعاده‌شده از شورای نگهبان ۹۵/۷/۱۱ شماره ۴۹۶۸۸	درباره لایحه تنظیم برخی از احکام برنامه‌های توسعه کشور	ماده الحاقی ۹ سبک زندگی اسلامی - ماده الحاقی ۱۱ توسعه فضاهای فرهنگی - ماده ۱۲ توسعه فرهنگ قرآنی	توسعه فضاهای فرهنگی
۵	سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران	برنامه پنج‌ساله سوم از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ درباره توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	شاخص‌ها و استانداردهای مربوط به بهره‌مندی نقاط مختلف کشور از فضاهای فرهنگی هنری و همچنین میزان دسترسی ساکنان مناطق مختلف کشور به خدمات و تولیدات فرهنگی هنری متناسب با ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی جمعیتی و جغرافیایی هریک از این مناطق - ماده ۱۵۵، بند الف ۱	ماده ۱۵۵، بند ۱: تهیه شاخص و استاندارد بهره‌مندی نقاط مختلف کشور از فضاهای فرهنگی و هنری، بند ۲: تکمیل فضاهای فرهنگی

<p>ماده ۱۰۴، بند ط) توسعه فضاهای مجازی فرهنگی و هنری و تجهیزات موردنیاز فرهنگی، گسترش فضائل اخلاقی؛ ماده ۱۰۶، بندهای د) ترویج فرهنگ نماز، ج) فرهنگ وقف، ه) گسترش فضاهای مذهبی، م) فرهنگ کار و نظم اجتماعی، ک) ترویج فرهنگ ایثار</p>		<p>برنامه چهارم توسعه با چهار هدف کلی ۱. توسعه دانش پایه، عدالت محوری و در تعامل با جهان؛ ۲. تأمین مطمئن امنیت ملی و بازآرندگی همه‌جانبه؛ ۳. صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی ایران؛ ۴. حاکمیت مؤثر و استقرار دولت شایسته در سه سطح تعیین شده است: سطح اول: تهیه لایحه برنامه چهارم، سطح دوم: سندهای توسعه‌بخشی، فرابخشی و استانی و سطح سوم: تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی و مدیریت اجرایی سندهای توسعه، است که تسهیل‌کننده اجرای احکام برنامه است. دولت مکلف شده بود به‌منظور توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌ها شامل سه سطح، سطح کلان شامل چشم‌انداز بلندمدت توسعه فضایی کشور؛ سطح بخشی شامل راهبردهای هماهنگ و سازگار بلندمدت توسعه و توزیع فضایی بخش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی منطبق با ویژگی‌های سرزمین سیاست‌ها و توصیه‌های منطقه‌ای و سرزمین، سیاست‌ها و توصیه‌های منطقه‌ای و سرزمینی بخش‌ها؛ سطح استانی شامل نظریه پایه توسعه استان‌ها حاوی بخش‌های محوری و اولویت‌دار در توسعه استان، به‌خصوص تدوین شاخص‌های توسعه.</p>	<p>۶ آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای در برنامه چهارم</p>
<p>- ماده ۵؛ ماده ۶ بند و؛ ماده ۹ بندهای الف و ب؛ ماده ۱۰ بند الف و ماده ۲۰۹ بند ب - ماده ۳ بندهای الف، ب، ج، د، ه و تبصره این ماده؛ ماده ۷؛ ماده ۱۰ بندهای ب و ج؛ ماده ۶۲؛ ماده ۷۱؛ ماده ۱۷۷ بندهای الف و ب و ماده ۲۱۵</p>		<p>فصل اول این قانون با عنوان «فرهنگ اسلامی - ایرانی» شامل ۳۳ ماده است که عهده‌دار اجرای آن تمام دستگاه‌های فرهنگی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در برنامه پنجم با هدف حل مضامین و مشکلات منطقه‌ای در کشور فصلی با عنوان توسعه منطقه‌ای منظر قرار گرفت</p>	<p>۷ قانون برنامه پنجم</p>

فصل چهارم

نتیجه‌گیری، پیشنهادهای کوتاه و بلندمدت

۱. مقدمه

یکی از پرهزینه‌ترین روش‌های مدیریت از گذشته تاکنون روش آزمون و خطا بوده است که مدام در حال اجراست. سؤالی که باید پرسید این است که آیا مدیران در هر بخش و فرابخش می‌توانند به‌درستی مسائل فرهنگی کشور را تشخیص دهند و به سوی سیاست‌های تدوین شده موردنظر گام بردارند؟

اگر نگاهی به عملکرد واحدهای مختلف و مدیران متفاوت داشته باشیم، برداشت هر مدیر و مسئولی از قوانین کشور متفاوت و با یکدیگر بسیار فاصله دارد. با توجه به تحصیلات و نوع زندگی افراد و نگرش آن‌ها به مسائل زندگی برداشت‌ها و تفاسیر مختلف است. از همین‌روست که توسعه و پیشرفت در اولین گام خود دچار مشکلات اساسی می‌شود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان یک وزارتخانه در سطح فرهنگ عمومی باید تکالیف تمام بخش‌ها را مشخص کند. ثنوری‌های توسعه هر بخش را تدوین کرده و مورد ارزیابی و نقد کارشناسان و صاحبان نظر و متخصص قرار داده و با برگزاری جلسات فنی و تخصصی به‌همراه دستگاه‌های مرتبط جایگاه کاربردی هر دستگاه را در پازل برنامه‌ریزی فرهنگی مشخص نماید تا بتواند با شفافیت کامل طرح جامع آمایش فرهنگی سرزمین را در سطح وزارتخانه تدوین کند. داشتن نگاه کامل همه‌جانبه با رعایت منافع ملی و بین‌المللی می‌تواند بسیاری از هزینه‌های اجرایی برنامه‌ها را کاهش دهد.

سرمایه انسانی بزرگ‌ترین و ارزشمندترین سرمایه هر کشوری محسوب می‌شود. بدون داشتن نیروی انسانی لازم و کارآمد طرح‌ها و برنامه‌ها ضمانت اجرایی ندارند. وجود انسان‌ها و مسائل آن‌هاست که حرکت و پویایی را در جهان به وجود می‌آورد و تربیت انسان و رفع نیازهای مادی و معنوی اوست که اهمیت آمایش سرزمین را را دوچندان می‌نماید. در مقوله برنامه‌ریزی آمایش فرهنگی و اجتماعی سند و سیاست مشخص و راهبردی تاکنون از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین نشده است که بتواند تمام دستگاه‌های فرهنگی کشور را به صورت کامل دربرگیرد و از موازی‌کاری و هزینه‌های بسیار جلوگیری به عمل آید.

هنوز جایگاه هر دستگاه و سهم آن از فعالیت‌های فرهنگی مشخص نشده است. درحالی‌که اگر برنامه جامع آمایش فرهنگی توسعه کشور وجود داشت جایگاه و کاربرد دستگاه‌ها به صورت مشخص و مدون تدوین شده بود و منابع و امکانات صرف چندباره کاری‌ها نمی‌شد.

افراد کم‌اطلاع نسبت به مسائل فرهنگی اعتقاد دارند فعالیت‌های فرهنگی از نظر کمی و کیفی قابل اندازه‌گیری نیست و معیار سنجشی در این زمینه وجود ندارد. درحالی‌که علوم انسانی عصر حاضر برای همه فعالیت‌های فرهنگی سنججه و استاندارد خاص خود را دارد. با توجه به این‌که در ایران وحدت رویه برنامه‌ریزی کلان آمایش فرهنگی هنوز محقق نشده است، تمام شاخص‌ها و استانداردهایی که توسط دستگاه‌ها و اشخاص مختلف طراحی شده است اعتبار و جامعیت کلی را ندارد و از دستگاهی به دستگاه دیگر شاخص و استاندارد‌ها متغیر است. لذا در صورت تدوین برنامه کلان آمایش فرهنگی کشور شاخص‌ها و استانداردها قابل سنجش نیز قابل طراحی و اجراست. بدون شک تمام مدیران دستگاه‌های فرهنگی کشور به این باور و حقیقت رسیده‌اند که برای تحقق سیاست‌ها و اهداف موردنظر نیاز به آمایش فرهنگی دارند تا با مدل و روشی

متناسب با سایر سیاست‌های توسعه کشور همگام و همراه شوند. برای سنجش برنامه‌های اجرایی از شاخص و استاندارد بسیار سخن به میان می‌آید. شاخص‌ها در علم برنامه‌ریزی آمایش یعنی سنجش و اندازه‌گیری یک فعالیت و تغییر و حرکت از نقطه‌ای به سوی نقطه دیگر پیشرفت برنامه‌ها را با شاخص‌ها تعریف می‌کنند. استاندارد یعنی انجام درست یک فعالیت براساس قواعد و اصول علمی و لازم استانداردها زمانی جایگاه و ارزش پیدا می‌کنند که ضمانت اجرای یک سیستم را تضمین می‌نمایند. حال باید از ارزیابان فرهنگی پرسید وقتی طرح برنامه‌ریزی آمایش فرهنگی وجود ندارد شاخص و استاندارد چقدر می‌تواند جهت برنامه را روشن کند. شاخص‌ها و استانداردها لوازم سنجش برنامه و پیشرفت آن است. حال آن‌که بدون سند ملی آمایش سرزمین این موارد به‌تنهایی نمی‌تواند حرکتی را نشان دهد.

سیاست‌ها، راهبردها و اهداف فرهنگی به‌صراحت در اسناد بالادستی مشخص شده‌اند. قانون اساسی کشور یکی از فرهنگی‌ترین قوانین اساسی موجود در دنیاست. درحالی‌که بستر اجرای این سیاست‌ها فراهم نشده است. برداشت هر فرد و مدیر از سیاست‌های فرهنگی بسیار متنوع و مختلف است. بررسی برنامه‌های دستگاه‌های مختلف فرهنگی مبین این حقیقت است که در یک دستگاه فرهنگی با تغییر مدیر فعالیت‌ها و برنامه‌ها در پاره‌ای از موارد صددرصد تغییر و عملکرد گذشته خود را نقض کرده است. این تصمیمات و تغییرات همیشه با هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری همراه بوده است.

فضاها و امکانات

یکی از شاخص‌های اثرگذار در جریان توسعه فرهنگ و هنر، توسعه فضاهای فرهنگی و هنری است که به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه و اهتمام سیاست‌گذاران، صاحب‌نظران و فعالان عرصه فرهنگ و هنر کشور بوده است.

فضاهای فرهنگی و هنری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، چندان اهمیتی دارد که بر روند رشد و توسعه بسیاری از محصولات فرهنگی و هنری تأثیر مستقیم و حیاتی به جا می‌گذارد. تولید تئاتر، فیلم، کتاب، میزان کتاب‌خوانی، ارائه آثار تاریخی و فرهنگی، تولید آثار هنرهای تجسمی، اجرای صحنه‌ای موسیقی و... از جمله تولیدات مهم و اساسی فرهنگی و هنری‌اند که در یک فضای متناسب و مناسب قابلیت عرضه و نمایش پیدا می‌کنند. منظور از فضاهای فرهنگی و هنری، بناهایی است که با معماری خاص، به منظور کاربری فرهنگی و هنری ساخته شده و تجهیزات و وسائل مخصوص این نوع کاربری‌ها در آن‌ها تعبیه شده باشد. سالن نمایش فیلم (سینما)، سالن اجرای موسیقی و تئاتر، کتابخانه، موزه، مساجد، تکایا، هنرستان‌های هنری، چاپخانه‌ها، لیتوگرافی و... از جمله این فضاها هستند.

از منظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و هنری این فضاها به دو دسته مهم تقسیم‌بندی می‌شوند: فضاهای کالبدی و فضاهای غیرکالبدی. منظور از فضاهای کالبدی، بناهایی است که تعداد و وسعت فیزیکی آن‌ها نقش اساسی در میزان کاربری آن‌ها داشته باشد. به عبارت دیگر افزایش کاربری این فضاها و اثر مستقیم آن بر روند توسعه فرهنگ و هنر، منوط به رشد تعداد و گسترش فیزیکی (افزایش ظرفیت کاربری) آن‌هاست. برای مثال در مورد سالن سینما از یک سو افزایش تعداد سالن‌ها موجب رشد نرخ دسترسی مردم به تولیدات سینمایی و رشد مخاطبان سینما می‌شود و از سوی دیگر وسعت هرچه بیشتر هر سالن و در نتیجه افزایش تعداد صندلی (ظرفیت) سالن به تعداد مخاطبان سینما می‌افزاید که هر دو رویکرد به طور مستقیم بر توسعه هنر سینما تأثیر می‌گذارند. اما در مورد فضاهای غیرکالبدی چنین نیست. به گونه‌ای که رشد کاربری آن‌ها و نقشی که در روند توسعه فرهنگ و هنر ایفا می‌کنند بستگی به افزایش تعداد و وسعت آن‌ها ندارد (آقابابا، ۱۳۹۳: ۲۱).

امکانات فرهنگی کشور

یکی از شاخص‌های عدالت فرهنگی و اجتماعی دسترسی همه افراد جامعه به امکانات فرهنگی و هنری در سراسر کشور است. براساس آخرین تقسیمات کشوری در خرداد ۱۳۹۱، کشور ایران از ۳۱ استان، ۴۲۹ شهرستان، ۱۰۳۴ بخش، ۲۵۴۸ دهستان و ۱۱۸۹ شهر و ۲۱ فرمانداری ویژه تشکیل یافته است. طبق آمار شورای عالی انقلاب فرهنگی امکانات فرهنگی کشور عبارت است از: مدارس علمیه ۵۶۰، دارالقرآن ۱۱۵۰، دانشگاه و مراکز آموزش عالی ۱۸۷، مراکز آموزش عالی ۱۴۱، مدارس آموزش و پرورش ۱۴۰۰۰، مراکز فرهنگی ۱۴۷۹، مؤسسات نشر ۲۹۳۱، چاپخانه ۲۹۲۰، کتابفروشی ۴۱۴۱، کتابخانه ۸۷۷۵، مسجد ۵۹۳۲۰، کانون فرهنگی هنری مساجد ۵۸۴، حسینیه‌ها و تکایا ۱۳۴۴۶، هیئات ۴۰۰۰۰، کانون‌های مداحی ۳۰، انجمن‌های اسلامی ۲۵۰۰، زیارتگاه‌ها و امام‌زادگان ۹۴۸۷، پایگاه‌های بسیج ۱۰۲۴۸۸، مجمع فرهنگی ۱۴۱۵، اردوگاه پرورشی ۲۲۴، کانون‌های فرهنگی ۴۰۰۰، دفتر تبلیغاتی ۱۰۹۲، خبرگزاری و نمایندگی هنر ۸۹، شبکه‌های تلویزیونی ۱۵، شبکه‌های رادیویی ۱۴، سینما ۳۲۱، موزه ۲۰۵، اثر تاریخی ۱۲۴۸۵، گروه هنری ۳۵۲، مؤسسات تئاتر ۱۸، نگارخانه و نمایشگاه ۱۹۰، تشکل‌های حرفه‌ای فرهنگ ۷۴۲، نشریات ۲۹۳۱، روزنامه‌فروشی ۳۸۹۸، دفتر نمایندگی پخش مطبوعات ۵۴۰، کارگاه تولید صنایع دستی و هنری ۸۲۸، مؤسسات تولید و توزیع فرآورده‌های موسیقی ۸۸، فروشگاه عرضه محصولات فرهنگی ۲۱۶۳، فروشگاه صنایع دستی ۱۵۷۲، دفتر خدمات گردشگری ۱۲۱۷، هتل ۶۲۴، زائرسرا ۱۳۰۳، واحد تفریحی ۳۰۲۶، اقامتگاه تفریحی و ورزشی ۲۲۱، باشگاه ورزشی ۱۸۸۰، سالن ورزشی ۶۳۲، زمین ورزشی ۲۱۶۵، استخر ۶۴۵ (نقشه وضع موجود نظام فرهنگی کشور، ۱۳۸۶: ۱).

۲. پیشنهادهای بلندمدت

تدوین طرح جامع برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تحقق اصولی آمایش فرهنگی به چند پیش‌نیاز اصلی نیاز است که بدون آن‌ها اهداف آمایش فرهنگی آنچنان‌که باید محقق نمی‌شود و انسجام لازم بین فعالیت‌ها و خروجی‌های لازم به دست نمی‌آید. در حال حاضر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متشکل از ۳۲ اداره کل و ۴۰۰ اداره شهرستانی و ۱۰ مؤسسه، سازمان و... بوده و حدود ۱۲ هزار کارمند دارد. طبق مأموریت‌های مصوب این وزارتخانه بیش از ۱۰۰۰ مأموریت توسط این وزارتخانه در سطح کشور اجرا می‌شود. فعالیت‌های وزارتخانه مزبور در دو بخش اصلی قابل بررسی است؛ ابتدا وظایفی که مستقیماً توسط ستاد و ادارات کل انجام می‌پذیرد. ثانیاً مأموریت‌هایی که توسط سازمان‌ها و نهادهای وابسته انجام می‌پذیرد. از زمان تشکیل وزارت فرهنگ و هنر تا زمان حاضر که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند این وزارتخانه هیچ نقشه راه و یا برنامه‌ریزی بلندمدتی در افق زمانی حداقل بیست‌ساله نداشته است. رشد سریع و افزایش نیروی انسانی در این وزارتخانه به صورت پراکنده و نامنظم صورت پذیرفته است. در هر دوره زمانی براساس مقتضیات زمان و نظرات مدیران وقت یک بخش از این وزارتخانه به شدت توسعه و به بخش‌های دیگر عموماً بی‌توجهی شده است. توسعه بخش‌ها براساس آمار و اطلاعات و نیازسنجی علمی نبوده و بیشتر نظرات خاص و شخصی بوده است.

سؤال اساسی این است که چرا به نقشه راه نیاز داریم. برای رفتن به یک سفر بسیار ساده از استانی به استان دیگر برای دسترسی به بهترین راه‌ها و رسیدن به مقصد استفاده از نقشه بسیار مرسوم است. عموماً افرادی که به زمان، بودجه، امنیت، آسایش، آرامش خویش فکر می‌کنند برای رفتن به مسیرهای جدید از نقشه استفاده می‌نمایند. بسیاری از افراد هم هستند که

برای رفتن به راه‌های جدید بدون مطالعه و بررسی عازم سفر می‌شوند که عموماً دچار مشکلات بسیار زیادی در طول سفر می‌گردند. استفاده از نقشه و راهنماهای جانبی به افراد کمک می‌کند تا از مسیرهای مختلف در طول سفر آگاه، خطرات و فرصت‌های احتمالی را شناسایی و بهترین بهره‌وری لازم را داشته باشند.

شاید بهتر باشد با مثالی دیگر اهمیت نقشه راه یا «طرح جامع» را در سازمان‌ها توضیح دهیم. برای ساخت یک بنا در محیط شهری قوانین و مقررات خاصی وجود دارد. شهرهای مصوب و مورد تأیید شهری، دارای طرح جامع است. طرح جامع شهر عبارت است از: طرح بلندمدتی که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، بازرگانی، اداری، کشاورزی، تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات شهری و نیازمندی‌های عمومی شهری، خطوط کلی ارتباطی و محل مراکز انتهایی خط (ترمینال) و فرودگاه‌ها و بنادر و سطح لازم برای ایجاد تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات عمومی مناطق نوسازی، به‌سازی و اولویت‌های مربوط به آن تعیین می‌شود و ضوابط و مقررات مربوط به تمام موارد فوق و همچنین ضوابط مربوط به حفظ بنا و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی تهیه و تنظیم می‌شود. در واقع طرح‌های جامع در دو مرحله تهیه می‌شوند. مرحله اول شامل انجام بررسی‌ها، شناخت وضع موجود شهر مانند مطالعات جغرافیایی، اقلیمی، تاریخی و بررسی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر است و در بخش آخر این مطالعات جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شود. در مرحله دوم، طرح کالبدی شهر و گزارش‌های مربوطه ارائه می‌شود. درحقیقت، طرح جامع را می‌توان سیستمی دانست که خط‌مشی اصولی و کلی سیاست‌های شهری را تعیین می‌کند. از طرف دیگر، طرح جامع را می‌توان منطقی برای انتخاب الگوی صحیح استفاده از اراضی شهری دانست. روش مطالعه و انجام یک طرح جامع

شهری، عبارت است از: مطالعه وضع موجود؛ تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از وضع موجود؛ تعیین اهداف و اولویت‌ها؛ انجام پیش‌بینی‌های لازم؛ ارائه طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری و اجرای آن‌ها. طرح جامع شهری، بیشتر به منظور ترویج ضوابط شهرسازی، کنترل توسعه شهرها، گرایش به نظام برنامه‌ریزی و هماهنگ‌سازی بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، با توجه به کیفیت محیط زیست و براساس شناخت حوزه‌های نفوذ طبیعی، اجتماعی و اقتصادی شهرها تهیه می‌شود.

در طرح تفصیلی شهر براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر، نحوه استفاده از زمین‌های شهری در سطح محلات مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آن‌ها و وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور و میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری و اولویت‌های مربوط به مناطق به‌سازی و نوسازی و توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت تمام عوامل مختلف شهری در آن تعیین می‌شود و نقشه‌ها و مشخصات مربوط به مالکیت براساس مدارک ثبتی تهیه و تنظیم می‌شود. برای ساخت یک بنا حتماً باید به شهرداری منطقه مراجعه کرد و براساس طرح جامع شهری موقعیت زمین و شرایط احداث بنا را به‌دقت مورد ارزیابی قرارداد. در طرح جامع کاربری اراضی و توسعه شهر کاملاً قابل مشاهده و مطالعه است و می‌توان با امنیت بیشتر برای توسعه گام برداشت و سرمایه‌گذاران مختلف سعی می‌کنند با مطالعه طرح بهترین اولویت‌ها را شناسایی و از موقعیت‌های به‌دست‌آمده برای رشد و توسعه شهر استفاده نمایند. شهرهایی که بدون طرح جامع احداث شده‌اند با هزینه‌های بسیاری روبه‌رو هستند و با متراکم‌شدن و توسعه شهرهای بدون طرح جامع مشکلات مختلف خود را نشان می‌دهند. برای سامان‌دهی این امر نقشه جامع تهیه می‌شود. اما از آن‌جا که همه مسائل از قبل پیش‌بینی نشده است حداقل‌های

زندگی در این‌گونه شهرها به‌دست می‌آید و هزینه‌های بسیار مادی و معنوی گریبان‌گیر شهروندان می‌شود: عقب‌نشینی‌های بسیار، تخریب بناها و مشکلات مختلف و کمبود امکانات و عدم دسترسی مناسب به امکانات موجود در شهر. امروزه حتی در روستاها شهروندان برای ساخت منزل ابتدا شکل بسیار ساده بنا را بر روی کاغذ ترسیم و حدود تقریبی آن را مشخص می‌کنند و با مشورت جمعی منزل خود را می‌سازند.

در مثال بالا با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، آب‌وهوا، مسیر رودخانه‌ها و گسل‌ها و رعایت بسیاری از استانداردها طرح جامع شهری تدوین می‌شود. براساس مدل‌ها و تئوری‌های شهرسازی و یا ادغام مدل‌ها با یکدیگر که نتیجه مطلوب به‌دست آید تهیه نقشه جامع یک شهر کوچک با رعایت سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای و استانی و ملی همراه است و این هماهنگی است که امکان توسعه شهر و آبادانی آن را فراهم می‌آورد.

بر کسی پوشیده نیست که برای وزارتخانه‌ای به‌وسعت و بزرگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای توسعه و خدمات‌رسانی مطلوب آن نیاز به طرح جامع و نقشه توسعه است. طی بررسی‌هایی که در مرکز اسناد سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مستقر در کتابخانه وزارتخانه انجام شد موفق به یافتن سندی نشدیم که قبل و بعد از انقلاب طرح توسعه این وزارتخانه مطالعه شده باشد و براساس این بررسی توسعه انجام پذیرفته باشد. توسعه استانی ادارات کل و شهرستانی ادارات و امکانات زیرمجموعه آن عموماً براساس تلاش‌های شخصی مسئولان وقت هر استان و شهرستان انجام پذیرفته است و براساس مطالعه قبلی، بررسی رشد و تغییرات جمعیتی، پراکندگی مناطق از یکدیگر و... رعایت پارامترهای آمایش فرهنگی نبوده است. در حال حاضر تمام مدیران اجرایی به‌جز شرح وظایف سازمانی طرحی را در اختیار ندارند که روند رشد و توسعه فعالیت‌های خود را در آینده بتوانند رصد کنند. هر مدیر براساس دانش،

شناخت و تجربیات خود از مسائل برنامه و طرح‌های خود را اجرا می‌کند و پرواضح است که نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید و این جریان همچنان ادامه دارد. برای مثال در برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده است که با توجه به سال پایه ۱۳۹۴ «تعداد سالن‌های کنسرت موسیقی از ۶۵ سالن به ۱۱۰ سالن، تعداد نگارخانه‌های فعال از ۳۸۶ عدد به ۴۳۶ سالن، هنرستان هنری از ۳۹ به ۴۴، تعداد آموزشگاه‌های آزاد از ۳۲۱۸ به ۴۲۰۵ و تعداد مؤسسات فرهنگی قرآن عترت از ۶۴۵ به ۲۰۰۰ مؤسسه در پایان سال برنامه ششم ۱۴۰۰ محقق گردد». همین پیش‌بینی‌ها ابتدایی‌ترین مقدمات را نیز ندارد. برای مثال بودجه سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ تنها به صورت روال ۲۰ درصد افزایش یافته است. با احتساب افزایش ۲۰ درصدی روال سال‌های گذشته و آینده موارد پیش‌بینی شده در برنامه ششم پیش‌رو با توجه به افزایش ۱۰ درصدی حقوق و دست‌مزد و تورم ۲۰ درصدی محقق نخواهد شد. حال بررسی انجام شده در سند تفصیلی برنامه ششم توسعه حوزه بخشی ۲ فرهنگ و هنر نیز طبق روال گذشته جمع‌آوری اطلاعات از استان‌ها بوده است. سؤال اساسی هر فرد در این سند این است که آمار و ارقام منتشر شده براساس چه نیازسنجی‌های تهیه شده، مدل توسعه و رشد براساس چه معیاری تنظیم شده است. مهم‌ترین اساسی‌ترین پیش‌نیاز آمایش فرهنگی در وزارت متبوع طرح جامع برنامه‌ریزی در سطح ملی کارکردهای این وزارتخانه در سطح کشور است. بهتر است ابتدا در سطح مدیریت عالی وزارتخانه و مدیران استانی و بهره‌مندی از تمام تجارب کارشناسان و علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر طرح ملی با استفاده از برنامه‌ریزان صاحب اثر تدوین و به صورت کلی از ستاد تا دورافتاده‌ترین نقاط کشور در بازه زمانی حداکثر بیست‌ساله تهیه شود. در این طرح با توجه به رشد جمعیت، ترکیب جنسیتی، اقوام، ادیان، قومیت‌ها، آداب رسوم، بلوغ جمعیت، نیازسنجی‌های منطقه‌ای و ملی با رعایت سیاست‌ها، اهداف و راهبردهای

بالادستی برای هر منطقه و با توجه به طرح کلی برنامه تدوین در بازه زمانی مختلف توسعه و رشد فرهنگ و هنر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ارتباط ادارات کل با ستاد بیشتر و کاربردی‌تر و روحیه کارشناسی تقویت می‌گردد. توسعه هر منطقه در بازه زمانی کاملاً مشخص شده و قابل ارزیابی و اندازه‌گیری می‌شود. رقابت بین‌استانی به‌وجود خواهد آمد و با توجه به منافع ملی توسعه عادلانه و تمام‌محور محقق خواهد شد.

درخصوص نقشه راه و چشم‌انداز توسعه فضاهای فرهنگی و هنری تحت پوشش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال حاضر نقشه راه - برنامه‌ریزی جامع - و طرح مدونی برای توسعه فضاهای فرهنگی موجود نیست. طبق نیازسنجی از ادارات کل در سراسر کشور نیاز به تأسیس ۴۱۹ مرکز فرهنگی و هنری است. ارتقای فرهنگ و هنر و درخشش هرچه بیشتر کشور در زمینه‌های فوق ریشه در تأمین فضاهای فرهنگی مناسب و کارآمد و هماهنگ با آداب، رسوم مردم مناطق مختلف کشور دارد. به‌روشنی مشخص است که ویژگی‌های معماری فضاهای فرهنگی از عوامل مهم و تأثیرگذار موفقیت فعالیت‌های فرهنگی و هنری در سطح کشور است. درخصوص تحقق عدالت فرهنگی وظایف تحت پوشش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود.

نقش سازمان برنامه و بوجه در آمایش سرزمین

دفتر امور برنامه‌ریزی آمایش و محیط زیست سازمان برنامه و بودجه متولی آمایش سرزمین در کشور است. این سازمان با جمع‌آوری نظرات صاحب‌نظران آمایش قالبی را برای جمع‌آوری اطلاعات مختلف آمایشی تهیه و به استانداری‌ها جهت جمع‌آوری اطلاعات ارسال کرده است. در بخش فرهنگی ۱۰ شاخص برای جمع‌آوری اطلاعات در نظر گرفته شده است که فقط ۲ شاخص تعداد کتابخانه‌ها و صندلی سینماها به‌عنوان شاخص‌های رشد و توسعه وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی مدنظر قرار گرفته است. هدف از تشکیل سازمان برنامه و بودجه در نهاد ریاست جمهوری انسجام برنامه‌های تمام دستگاه‌ها با برنامه کلان کشور است. در حال حاضر این سازمان فاقد برنامه عملیاتی در سطح ملی است. و صرفاً براساس برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌ها بودجه به فعالیت‌ها اختصاص می‌یابد. برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور بیشتر قانون برنامه‌اند تا سند برنامه‌ریزی. برای مثال در سند تفویلی برنامه ششم توسعه حوزه بخشی ۲ در قسمت فرهنگ و هنر مواردی به‌عنوان شاخص توسعه در وزارتخانه تعریف شده است که روش اجرایی آن ذکر نشده است و بسیار به‌دور از حقایق بودجه وزارتخانه است. در بخش تهیه شاخص‌ها و برنامه‌های فرهنگی سازمان برنامه و بودجه اشاره شده است که شاخص‌های توسعه فرهنگی باید توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین و اجرا شود. بی‌برنامه‌گی‌های سازمان مزبور در بحث آمایش سرزمین باعث آن شده است که در سایر دستگاه‌ها مبحث آمایش سرزمین مورد توجه قرار نگیرد. در حال حاضر ادارات سازمان برنامه و بودجه متولی آموزش کارشناسان سایر واحدهایند.

نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در آمایش

یکی از وظایف اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین سیاست‌های فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز یکی از دستگاه‌های فرهنگی است که از نظر سیاست‌گذاری زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود. یکی از کاربردهای اساسی این شورا تقسیم وظایف فرهنگی در میان دستگاه‌های مربوطه است تا از چندباره‌کاری‌ها و فعالیت‌های مشابه جلوگیری شود. در مبحث آمایش سرزمین تهیه دستورالعمل نحوه سامان‌دهی فعالیت‌ها و مراکز فرهنگی بر عهده این شورا است. تا زمان تهیه این مطلب دستورالعمل نحوه اجرای آمایش فرهنگی توسط این شورا تهیه نشده است. لذا

دستگاه‌های زیرمجموعه آن با نوعی بلا تکلیفی در این زمینه روبه‌رو هستند.

حدود فعالیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آمایش سرزمین مهم‌ترین مسئله در آمایش سرزمین به‌خصوص آمایش فرهنگی مشخص کردن حدود فعالیت‌های هر دستگاه در آمایش سرزمین است. در حال حاضر معاونت قرآن و عترت (ع) به توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی، و توسعه مشارکت‌های قرآنی، معاونت امور فرهنگی به توسعه کتاب و کتابخوانی، چاپ و نشر، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، معاونت امور مطبوعاتی رسیدگی به مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی و رسانه‌های خارجی می‌پردازند. معاونت امور هنری در زمینه هنرهای تجسمی، نگارخانه‌ها و هنرستان‌ها و آموزشگاه‌های آزاد تجسمی، امور موسیقی، هنرستان‌ها، سالن‌های اجرا، کنسرت و آموزشگاه‌های موسیقی، دفتر هنرهای نمایشی درباره نحوه اجرای نمایش‌ها و سالن‌های نمایش و آموزشگاه‌های آزاد نمایشی، دفتر برنامه‌ریزی آموزش‌های هنری در خصوص امور آموزش‌های هنری، معاونت حقوقی امور مجلس و استان‌ها برای تحقق مالکیت حقوقی و معنوی، امور مجلس و هماهنگی استان‌ها و معاونت توسعه مدیریت منابع به‌عنوان پشتیبانی‌کننده تمام واحدهای اداری با دفتر برنامه و بودجه، نوسازی و تحول اداری، منابع انسانی، امور مالی و ذی‌حسابی، امور پشتیبانی رفاهی و خدماتی فعالیت می‌کنند. ادارات و دفاتر زیرمجموعه وزارت از جمله شورای فرهنگ عمومی درباره فرهنگ عمومی، بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای درباره بازی‌های کامپیوتری، سازمان حج و زیارت در زمینه سفرهای زیارتی، نهاد کتابخانه‌ها در خصوص توسعه کتابخانه‌ها و تجهیز کتابخانه‌ها، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درباره گسترش ارزش‌های اسلامی و انقلابی در خارج از کشور، خبرگزاری جمهوری اسلامی در زمینه تولید خبر در دفاتر استانی و خارج از کشور، سازمان اوقاف و امور خیریه

درخصوص موقوفات و اماکن مقدس، سازمان امور سینمایی در زمینه تولید فیلم‌های سینمایی و مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی فعالیت می‌کنند. حدود فالیتهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ستاد و سازمان‌های وابسته موارد قیدشده در بالاست. در زمینه ادارات کل و استان‌ها آمایش فرهنگی با تمام موضوعات فوق در سطح استان‌ها با هماهنگی استانداری و شورای اداری قابل تحقق است به عبارت ساده‌تر بخش بسیار بزرگی از فعالیت‌هایی که در ستاد انجام می‌پذیرد در ادارات کل و به تبع آن شهرستان‌ها انجام می‌پذیرد. با توجه به عدم ارائه دستورالعمل از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهادهای ذیل برای گسترش آمایش فرهنگی ارائه می‌شود. مشخص کردن جایگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گسترش فرهنگ عمومی. با توجه به این‌که بیش از ۱۰۰ دستگاه فرهنگی مستقیماً در گسترش فرهنگ در سطح جامعه دخیل هستند مناسب است شورای عالی انقلاب فرهنگی وظایف دستگاه‌ها را به صورت مشخص تدوین و سهم و جایگاه دستگاه را در گسترش فرهنگ عمومی مشخص کند.

۳. پیشنهادهای کوتاه‌مدت

۱. انجام طرح مطالعاتی درباره نیازسنجی مکان‌های فرهنگی و هنری عمومی در سطح کشور
غیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستگاه‌های دیگری نیز هستند که در سطح کشور دارای مکان‌های فرهنگی و هنری قابل استفاده برای عموم هستند. عدالت فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدین مفهوم نیست که در سراسر کشور این وزارتخانه دارای فضاهای فرهنگی باشد، بلکه به این مفهوم است که نقشه و امکانات فرهنگی و هنری کل کشور با توجه به تقسیمات کشوری تهیه شود. در بسیاری از شهرها و مراکز استان‌ها تنها در یک خیابان

چند مرکز فرهنگی و هنری از دستگاه‌های مختلف موجود است، در حالی که در بخش‌های دیگر این مراکز کمتر دیده می‌شوند. تهیه نقشه فرهنگی فضاهای کشور از ضرورت‌های توسعه مراکز فرهنگی در سطح کشور است.

۲. تهیه آیین‌نامه مکان‌یابی فضاهای فرهنگی

ساخت مراکز فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکنون از یک نظم منطقی و براساس پژوهش و لحاظ کردن تئوری‌های مکان‌یابی نبوده است و عوامل دیگری در ساخت فضاها دخیل بوده است. بسیاری از شهرستان‌های ایران دارای جمعیت زیر ۲۰ هزار نفر است و با توجه به شاخص جمعیت برای ساخت بسیاری از مراکز فرهنگی تهیه آیین‌نامه مکان‌یابی فضاهای فرهنگی می‌تواند کمک بسیار بزرگی به تحقق عدالت فرهنگی در سطح کشور داشته باشد.

۳. طرح الگوسازی فضاهای فرهنگی در اقلیم‌های گرم، مرطوب و سردسیر کشور با توجه به اقلیم‌های بیابانی، کوهستانی، معتدل، کویر، گرمسیر، سردسیر، مرطوب و... در کشور نحوه ساخت مراکز فرهنگی و هنری هر اقلیم باید با توجه به شرایط آب‌وهوایی و فرهنگی و بومی همان مناطق طراحی و اجرا شود. تاکنون این مهم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طرح مطالعاتی الگوسازی فضاهای فرهنگی نقش بسیار کاربردی را در استفاده بهینه از فضاهای فرهنگی در کشور خواهد داشت و بیشترین بهره‌برداری را با خود به همراه خواهد آورد. در بسیاری از مراکز فرهنگی ساخته شده تاکنون بهره‌بری موردنیاز از فضاهای فرهنگی مطلوب نبوده است.

۴. تهیه ضوابط و استانداردهای کلی فضاهای فرهنگی

با بررسی فضاهای فرهنگی ساخته شده تاکنون بسیاری از کاربران از طراحی و اجرای فضاهای خاص فرهنگی همچون کلاس، کارگاه آموزشی، سالن اجرای نمایش، موسیقی، سالن سینما، نگارخانه، نمایشگاه، کتابخانه و... راضی نبوده‌اند. با مطالعه فضاهای موجود پی به عدم رعایت استانداردهای کلی ساخت فضاها

می‌بریم. با تهیه ضوابط و استانداردهای کاربردی فضاهای فرهنگی می‌توان بسیاری از آسیب‌های عدم رعایت استانداردها را جبران کرد.

۵. تهیه استاندارد تجهیزات و مبلمان فضاهای فرهنگی در حال حاضر هیچ‌گونه استنادی درباره تجهیزات و مبلمان فضاهای فرهنگی در سطح وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موجود نیست و باعث تجهیز نامناسب فضاهای فرهنگی شده است

۶. طراحی فضاهای فرهنگی خاص بانوان با توجه به نیاز بانوان به فضاهای خاص فرهنگی مانند سالن اجرای موسیقی، نمایش و... ضرورت طراحی خاص فضاهای فرهنگی وجود دارد. در سطح وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیچ‌گونه تدبیر و اندیشه‌ای درباره طراحی فضاهای فرهنگی خاص بانوان نشده است. لذا توجه به این مقوله که نیمی از جمعیت کشور را بانوان به خود اختصاص داده‌اند بسیار مهم است.

۷. پژوهش درباره آسیب‌های فضاهای فرهنگی با توجه به ساخت فضاهای فرهنگی مختلف در کشور می‌تواند با پژوهشی میدانی و به‌صورت نمونه‌گیری آسیب‌های فضاهای فرهنگی در سطح کشور هم از بعد فیزیکی و ساختمان‌سازی هم از نگاه اجتماعی و فرهنگی بررسی و ارزیابی شود.

۸. تهیه آیین‌نامه ایمنی فضاهای فرهنگی و هنری با توجه به آن‌که مراکز فرهنگی محل تجمع عمومی افراد می‌باشد لازم است برای رعایت موارد ایمنی مختلف آیین‌نامه‌های لازم درباره درهای مراکز فرهنگی، پنجره‌ها، کریدورها و راهروها، پلکان، حفاظت ساختمان‌ها در برابر حریق، زلزله، ضوابط طراحی برای معلولان، فضای کارگاهی فعالیت‌های هنری، استانداردهای فضاهای فرهنگی خاص کودکان و نوجوانان و روشنایی و نورپردازی تهیه شود.

۹. آیین‌نامه اصولی شناخت، مکان‌یابی و طراحی فضاهای باز برای فعالیت‌های هنری

امروزه در دنیا بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و هنری به دلیل ارتباط مستقیم با تمام قشرهای اجتماع در سطح فضاهای باز اجرا می‌شود مانند جنگ‌های شادی و مذهبی، جشن، اجرای موسیقی، نمایش، تئاتر، کلاس‌های هنرهای تجسمی و... در حال حاضر هیچ آیین‌نامه‌ای درباره ساخت مکان‌یابی فضاهای باز برای فعالیت‌های فرهنگی تدوین نشده است. عموماً این مراکز در میادین اصلی شهرها، پارک‌ها و فضای سبز، پیاده‌روها، کنار ساحل دریا و... ساخته می‌شود و نقش بسیار مهمی در جذب عمومی مخاطبان فرهنگی و هنری دارد.

۱۰. راهکارهای کلی طراحی و معماری مراکز فرهنگی با هویت

تحقیق و پژوهش درباره راهکارهای طراحی و معماری مراکز فرهنگی با هویت ملی، مذهبی، بومی و رعایت اصول مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در ساخت مراکز شاخص و با هویت. به طوری که هر شهرستانی مراکز فرهنگی و هنری آن نماد فرهنگی آن شهرستان محسوب شود.

۱۱. تهیه شاخص و استانداردهای توسعه فضایی

برای ساخت فضاهای فرهنگی نیاز به تهیه شاخص و استانداردهای توسعه فضایی است. براساس چه شاخص‌ها و استانداردهای فضاهای فرهنگی توسعه یابد.

۱۲. مطالعه درباره روش‌های نوین در طراحی فضاهای فرهنگی

امروزه در دنیا فضاهای فرهنگی و هنری با رعایت بسیاری از استانداردها و امکانات طراحی و اجرا می‌شود. لازم است روش‌های نوین طراحی فضاهای فرهنگی در دنیا مورد توجه قرار گیرد تا فضاهای فرهنگی کشور به‌روز و با توجه به نیازهای افراد جامعه تهیه شود.

منابع

کتاب‌ها و مقاله‌ها

آقابابا، علی و علی‌اصغر جعفری (۱۳۹۳). گزارش گام اول تدوین برنامه ششم توسعه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: شناخت، تبیین و تحلیل وضع موجود، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت توسعه مدیریت و منابع.

ازگلی، محمد (۱۳۸۵). مستندات دوره آشنایی با رهبری آینده‌پرداز (رویکرد نی‌نوس)، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

اکرمی، ذبیح‌الله (۱۳۷۲). وضعیت محیط زیست استان سیستان و بلوچستان، اداره کل حفاظت محیط زیست استان سیستان و بلوچستان، زاهدان.

بررسی‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت عنوان تدوین سیاست‌های کلی آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲). مجموعه شماره ۴، اهداف آمایش سرزمین در تجارت جهانی.

بنیادی نائینی، علی (۱۳۸۹). تاریخچه و سیر تحول تشکیلاتی و ساختاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در یکصد سال اخیر، ج ۱، تهران.

توفیق، فیروز (۱۳۸۳). تجربه چند کشور در برنامه‌ریزی، با تأکید بر تجربه شوروی سابق، فرانسه، هند و کره جنوبی، مؤسسه آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی.

توفیق، فیروز (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن، تهران، مؤسسه آموزش عالی و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

_____ (۱۳۸۴). آمایش سرزمین: تجربه جهان و انطباق آن با وضع ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

_____ (۱۳۷۱). «طرح‌ریزی کالبدی در ایران و محورهای آن»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

خداوردی، احمد و دیگران (۱۳۹۰). سند برنامه راهبردی توسعه بخش فرهنگ و هنر استان زنجان .

دوازده‌امامی، حمید (۱۳۹۵). چشم‌انداز فرهنگ و هنر، انتشارات و سپان.

دیتور، جیمز (۱۳۸۵). نحوه اداره کردن و مدیریت کارگاه چشم‌اندازسازی آینده برای کمیسیون آینده دادگستری تنسی، ترجمه مسعود منزوی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

راهنمای سامانه ارزیابی توسعه و رصد آمایش (ساترا) امور آمایش و توسعه منطقه‌ای (۱۳۹۳). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، عطار.

زالی، نادر (۱۳۸۵). «نقدی بر رویکرد جدید مطالعات آمایش ملی»، روزنامه شرق، ۲۴ مرداد.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۱). آمایش سرزمین قبل و بعد از انقلاب اسلامی دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مهرماه.

سازمان برنامه و بودجه، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۱۳۷۹). نظریه پایه توسعه ملی و چشم‌انداز بلندمدت توسعه فضایی کشور.

سازمان برنامه و بودجه (بی‌تا). نظام برنامه‌ریزی جامع توسعه ملی، تهران، معاونت امور مناطق دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۵). شرح خدمات برنامه آمایش سرزمین، تهران، مرکز ملی آمایش سرزمین، اردیبهشت‌ماه.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۰)، مطالعات آمایش سرزمین (سابقه مفاهیم و شرایط کنونی)، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

سند ملی توسعه بخش فرهنگ و هنر، برنامه چهارم توسعه.

سیف‌الدین، امیر علی، فرهنگ‌واژگان شاخص‌های ارزیابی توسعه (کتاب در شرف چاپ)

شناسنامه ادارات مصوب (۱۳۹۳). مرکز نوسازی و تحول اداری معاونت توسعه مدیریت و منابع.

شناسنامه صدور مجوزها مرکز نوسازی و تحول اداری (۱۳۹۱)، معاونت توسعه مدیریت و منابع.

ضوابط و معیارهای طراحی فضاهای آموزشی (۱۳۸۶). ویرایش سوم، سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور، گروه معماری.

طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری (۱۳۹۲). مرکز آمار ایران.

عظیمی بلوریان، احمد (۱۳۸۳). اقتصاد ایران از دیدگاه بانک جهانی، گذار ایران در تبدیل ثروت نفت به توسعه سند بانک جهانی ۲۰۰۳، تهران، انتشارات سازمان اوراق بهادار مدیریت اطلاعاتی.

_____ (۱۳۸۹). مفهوم آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی توسعه، خاستگاه‌ها سیر تکاملی و تجربه ایران، تهران، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

فرجی‌دانا، احمد (۱۳۷۱). «آمایش سرزمین و توسعه فضایی یکپارچه»، نشریه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ش ۴۶.

قورچیان، نادرقلی و جمشید اوانکی (۱۳۸۵). از آمایش سرزمین تا برنامه‌ریزی درسی، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه، مینا.

قیومی حمید (۱۳۹۴). تعریف و تبیین علم آمایش سرزمین، پژوهشگاه شاخص پروژه.

کینی رالف ال. (۱۳۸۱). تفکر ارزشی، راهی به سوی تصمیم‌گیری خلاق، ترجمه وحید وحیدی‌مطلق، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی کرانه علم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

مطالعات برنامه آمایش سرزمین استان همدان (۱۳۹۰). ج ۷، انتشارات معاونت برنامه‌ریزی استانداری همدان.

مهندسان مشاور ستیران (۱۳۵۴). مطالعه استراتژی درازمدت طرح آمایش سرزمین، نخستین سنتز اطلاعاتی موجود، شناسایی نقاط اساسی بحرانی یا مساعد، سازمان برنامه و بودجه، مرکز برنامه‌های آمایش سرزمین.

نقشه وضع موجود نظام فرهنگی کشور (۱۳۸۶). ویرایش ۲، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی کشور.

وحیدی، پریدخت (۱۳۷۳). «آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، س ۲، ش مسلسل ۸-۷.

منابع الکترونیکی

بهرآوان، حسین (۱۳۸۵). «آمایش فرهنگی و عدالت شهری در مناطق دوازده‌گانه شهرداری مشهد»، اولین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، برگرفته از پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، قابل دسترس در: www.sid.ir.

شاپورآبادی، محمدعلی (بی‌تا)، «نگرشی بر آمایش فرهنگی سرزمین و جایگاه آن در برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی»، قابل دسترس در: www.ensani.ir.

پایگاه اطلاع‌رسانی تخت‌نیوز، به‌نشانی: www.takhtnews.mihanblog.com

یکی از شاخص‌های اثرگذار در جریان توسعه فرهنگ و هنر، توسعه فضاهای فرهنگی و هنری است. فضاهای فرهنگی و هنری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، چندان اهمیتی دارد که بر روند رشد و توسعه بسیاری از محصولات فرهنگی و هنری تأثیر مستقیم و حیاتی به‌جا می‌گذارد. تولید تئاتر، فیلم، کتاب، هنرهای تجسمی، اجرای صحنه‌ای موسیقی و... از جمله تولیدات مهم و اساسی فرهنگی و هنری‌اند که در یک فضای متناسب و مناسب قابلیت عرضه و نمایش پیدا می‌کنند.

ISBN: 978-600-8215-26-4



9 786008 215264